

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# عربی (۱)

سال اول دبیرستان

این کتاب در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بازنگری شد و در اصلاح آن از نظرات دبیرخانه  
کشوری درس عربی و نیز گروه‌های آموزشی و دبیران مجرب عربی استفاده شد.

## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب: عربی (۱) سال اول دبیرستان - ۲۰۴/۱

مؤلفان: حمیدرضا میرحاجی، عیسی متقی‌زاده، مجید صالح‌بک، علی چراغی و عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی

بازنگری: عادل اشکبوس، حبیب تقوایی، عبدالله یزدانی و فاطمه یوسف‌زاد

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

مدیر امور فنی و چاپ: سید احمد حسینی

نقّاش: محمدحسین تهرانی، مانا نبوی فرهنگد

طراح جلد: محمدحسن معماری

صفحه‌آرا: خدیجه محمدی

حروفچین: کبری اجابتی

مصحح: فاطمه صغری ذوالفقاری، پری ایلخانی‌زاده

امور آماده‌سازی خبر: سپیده ملک‌ایزدی

امور فنی رایانه‌ای: حمید نابت کلاچاهی، ناهید خیام‌باشی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)

تلفن: ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

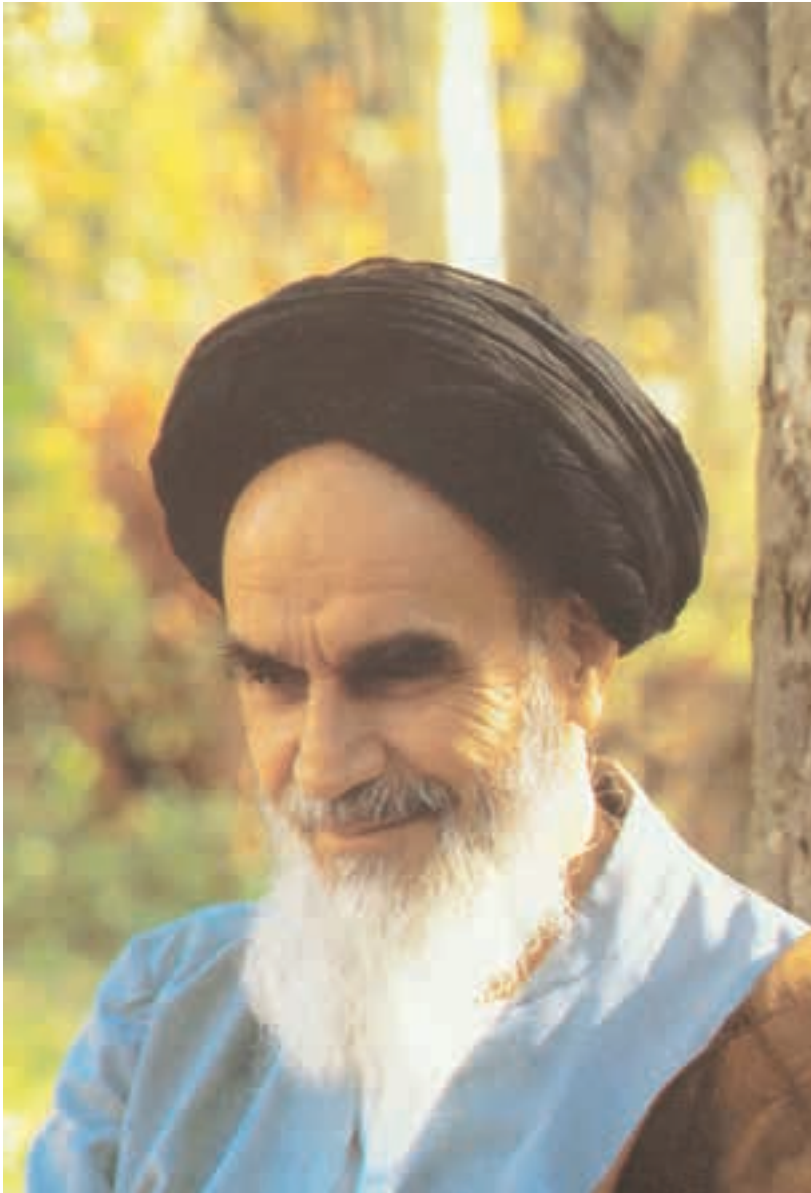
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ چهاردهم ۱۳۹۲

حق چاپ محفوظ است.

ISBN 964-05-0712-1

شابک ۹۶۴-۰۵-۰۷۱۲-۱



نگوید که لغت عربی هم از ما نیست؛ لغت عربی از ماست؛  
لغت عربی لغت اسلام است و اسلام از همه است.  
امام خمینی (ره)



مطمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آمان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳/۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفترتالیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

## فهرس الكتاب

الدرس	العنوان	القواعد	الصفحة
الدرس الأول	ياربّ	ياد آوری	۱
الدرس الثاني	زيارة الحبيب	اوزان ثلاثي مزيد (۱)	۱۲
الدرس الثالث	التلميدُ المثاليُّ	اوزان ثلاثي مزيد (۲)	۲۴
الدرس الرابع	العبرةُ	جامد و مشتق (۱)	۳۴
الدرس الخامس	مَشَاهِدٌ مِنَ الْحَيَاةِ الْبَسِيطَةِ	جامد و مشتق (۲)	۴۳
الدرس السادس	التَّجْرِبَةُ	ضمير	۵۳
الدرس السابع	الْهَجْرَةُ	موصول	۶۳
الدرس الثامن	توبَةُ التَّلَبُّ	مغرب و مبني	۷۳
الدرس التاسع	حُسْنُ الْعَاقِبَةِ	جملة فعلية،	۸۱
(فعل و فاعل، مفعولٌ به - جار و مجرور)			
الدرس العاشر	﴿فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ﴾	جملة اسمية، مبتدا و خبر	۹۵
المُعْجَم			۱۰۶

## مقدمه

ذات اقدس باری تعالی را سپاسگزاریم که توفیق خدمت به زبان قرآن را به ما عنایت فرمود تا حلقه ارتباط آشنایی جوانان ایران اسلامی با زبان وحی باشیم.

## آموزش مرحله‌ای

آموزش زبان، با هر هدفی که باشد، به صورت مرحله‌ای انجام می‌گیرد و از مرحله مقدماتی آغاز می‌شود تا به مرحله پیشرفته برسد.

## ویژگی‌های این کتاب

کتاب حاضر از سه بخش اساسی تشکیل شده است:

### ۱- متون

متون کتاب به شکل قصه و گفت‌وگو تهیه شده است تا ضمن برخورداری از جذابیت و زیبایی، بهتر بتواند دانش‌آموزان را در فهم و درک متون عربی و ترجمه آنها یاری کند. برای اجتناب از طولانی شدن متون داستان‌ها، با بهره‌گیری از تصویر، علاوه بر جذاب شدن کتاب، بار معنایی فراوانی بر عهده این تصاویر گذاشته شده است.

### ۲- قواعد

در شیوه‌سازماندهی محتوای قواعد با به‌کارگیری نمودار، جدول و کادرهای مختلف، سعی شده که دانش‌آموز با به‌کارگیری روش اکتشافی، خود در فرآیند یادگیری شرکت کند و سنگینی آموزش قواعد با به‌کارگیری این روش حتی‌الامکان تسهیل شود. اهمیت استفاده از حضور فعال دانش‌آموز در فرآیند یادگیری و بهره‌مندی از روش پرسش و پاسخ، از نکاتی است که نباید نادیده گرفته شود.

مطالب کادرهای سمت چپ و راست صفحات قواعد نیز می‌تواند به‌عنوان یک «چاشنی»، امر یادگیری را تسهیل و جذاب کند.

### ۳- تمرین

در شیوه‌ارائه تمرین‌ها سعی شده که این تمرینات ضمن تحقق بخشیدن به اهداف مورد نظر در هر درس، از جذابیت و تنوع برخوردار باشد تا بتواند مورد توجه دانش‌آموزان قرار گیرد. در این کتاب، بخش «تجزیه و ترکیب» نیز تحت عنوان «الإعراب و التحليل الصرفي» آمده که با

در نظر گرفتن این که «شجره» آموزش قواعد هر زبان، وقتی به بار خواهد نشست که این قواعد را بتوان بر کلمات و جمله‌ها تطبیق داد تا وسیله‌ای شود برای درست خواندن و درست درک کردن مطالب، اهمیت بسیار زیاد این بخش بر اهل فن پوشیده نیست و نباید از آن غافل بود.

در کنار این سه بخش اصلی، بخش‌های دیگری در نظر گرفته شده که همگی با هدف تسهیل فراگیری سه بخش اول سازماندهی شده‌اند. این بخش‌ها عبارتند از:

### ۱- اَضواء قرآنیة

در کتاب‌های عربی دوره سه ساله راهنمایی صفحه‌ای با عنوان «الدراسات القرآنیة» گنجانده شده تا دانش‌آموزان رد پای آموخته‌های خود را در قرآن کریم جستجو کنند و به آن‌ها یادآوری شود که چگونه می‌توانند آموخته‌های خویش را مورد استفاده و بررسی قرار دهند.

توصیه‌هایی که در این بخش از کتاب حاضر می‌تواند مفید واقع شود، همان مواردی هستند که در کتاب‌های دوره راهنمایی مطرح شده‌اند.

### ۲- فی رحاب نهج البلاغة

در سه درس از کتاب حاضر تحت عنوان «فی رحاب نهج البلاغة» سعی شده است تا عملاً به آنان نشان داده شود کلمات و عبارات زبان «عربی فصیح» همگی از یک «اصل» منشعب شده‌اند، و آن همان کلام الهی یعنی قرآن کریم است.

### ۳- کارگاه ترجمه

این صفحه قصد دارد به منظور تقویت قوه درک و فهم عبارات که از اهداف غایی آموزش زبان عربی است، دانش‌آموز را با نکات و اصول ترجمه صحیح آشنا کند. تأکید روی این زمینه در تمامی متون و عبارات و تمرینات، مورد نظر است تا به تدریج امر برداختن به تقویت فهم متون و عبارات جایگاه شایسته خود را باز یابد.

### ۴- توجه به کاربرد عربی در فارسی

از آنجا که فهم متون فرهنگ اسلامی و نیز دریافت لطایف و حلاوت زبان فارسی جز با یادگیری زبان عربی امکان‌پذیر نیست، لذا در این کتاب نیز چون کتاب‌های دوره راهنمایی، تا حد امکان به این مهم پرداخته شده و در جای جای کتاب علاوه بر استفاده از کلمات و عبارات و متون اسلامی، سعی شده که از عبارات و واژگان عربی مورد استفاده در زبان فارسی استفاده شود.

در پایان و با امید این که تلاش مسئولان، برنامه‌ریزان، کارشناسان و مؤلفان این کتاب بتواند نقش سازنده‌ای در آموزش زبان قرآن داشته باشد، توجه دبیران ارجمند را به چند نکته جلب می‌نماید:

## نکته‌ها

- ۱- در زمینه ترجمه، همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شده، کار اصلی بر عهده دانش‌آموزان است و معلم می‌بایست نقش راهنمایی و ارشاد داشته باشد.
- ۲- در زمینه قواعد، تلاش شود که از روش اکتشافی بهره گرفته شود و دانش‌آموز در جریان یادگیری، مستقیماً دخالت نکند.  
استفاده از کادرها و جدول‌ها در فرآیند یادگیری، بسیار مفید و لازم است.  
در زمینه قواعد به هیچ‌وجه مطالب خارج از کتاب، آموزش داده نشود. و اطمینان داشته باشیم که تمامی مطالب مورد نیاز به تدریج آموزش داده خواهد شد.
- ۳- سعی شود که پاره‌ای از جمله‌های ساده به هنگام ورود به کلاس و خروج از کلاس، باز کردن کتاب، حل تمرین‌ها و ... به زبان عربی بیان شود تا دانش‌آموز احساس کند در حال فراگیری زبانی زنده و پویا است و می‌تواند از کلمات و عبارات قرآن کریم در گفت و گوها و ... استفاده کند.
- ۴- در ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، فقط از آن دسته از کلمات و عبارات به کار رفته در «أضواء قرآنية» و «في رحاب نهج البلاغة» و «کارگاه ترجمه» می‌توان استفاده کرد که به نحوی در متن دروس نیز به کار رفته باشد. به عبارت دیگر نباید ترجمه عبارت‌ها و کلماتی خواسته شود که در متن درس نیست.

«وَمِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ»

گروه عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

[www.arabic-dept.talif.sch.ir](http://www.arabic-dept.talif.sch.ir)

سایت گروه عربی



﴿... هَبْ لِي حُكْمًا \* وَالْحِثْنِي \* بِالصَّالِحِينَ﴾

### ياربّ

قَوِّ \* عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي .

وَأَشَدِّدْ \* عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي .

فإِلَيْكَ \* يَا رَبِّ نَصَبْتُ \* وَجْهِي .

وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي .

يَا سَابِغَ \* النَّعَمِ ، يَا دَافِعَ \* النَّقَمِ ،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ \* وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ .



## قواعد















دانستیم که فعل ماضی ۱۴ صیغه دارد؛ مانند :

جمع	مثنیٰ	مفرد	ماضی	
 <p>هُمْ فَعَلُوا وَاجِبُهُمْ.</p>	 <p>هُمَا فَعَلَا وَاجِبَهُمَا.</p>	 <p>هُوَ فَعَلَ وَاجِبُهُ.</p>	مذکر	غائب
 <p>هُنَّ فَعَلْنَ وَاجِبَهُنَّ.</p>	 <p>هُمَا فَعَلْنَا وَاجِبَهُمَا.</p>	 <p>هِيَ فَعَلَتْ وَاجِبَهَا.</p>	مؤنث	
 <p>أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ وَاجِبَكُمْ.</p>	 <p>أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا وَاجِبَكُمَا.</p>	 <p>أَنْتَ فَعَلْتَ وَاجِبَكَ.</p>	مذکر	مُخَاطَب
 <p>أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ وَاجِبَكُنَّ.</p>	 <p>أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا وَاجِبَكُمَا.</p>	 <p>أَنْتِ فَعَلْتِ وَاجِبِكِ.</p>	مؤنث	
 <p>نَحْنُ فَعَلْنَا وَاجِبَنَا.</p>	 <p>أَنَا فَعَلْتُ وَاجِبِي.</p>		مُنْكَم	

بر همین مثال، ۱۴ شکل جمله «هُوَ عَمِلَ بِعَلْمِهِ» را بگویید.

## قواعد

دانستیم که فعل مضارع برای دلالت بر شخص‌های مختلف، صورت‌های گوناگون می‌پذیرد و (۱۴ صیغه) دارد؛ مانند:

مضارع	مفرد	مثنیٰ	جمع
مُذَكَّرٌ غَائِبٌ	 هُوَ يَفْعَلُ وَاجِبُهُ.	 هُمَا يَفْعَلَانِ وَاجِبُهُمَا.	 هُمْ يَفْعَلُونَ وَاجِبُهُمْ.
	 هِيَ تَفْعَلُ وَاجِبَتُهَا.	 هُمَا تَفْعَلَانِ وَاجِبُهُمَا.	 هُنَّ يَفْعَلْنَ وَاجِبَتُهُنَّ.
مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ	 أَنْتَ تَفْعَلُ وَاجِبِكَ.	 أَنْتُمَا تَفْعَلَانِ وَاجِبِكُمَا.	 أَنْتُمْ تَفْعَلُونَ وَاجِبِكُمْ.
	 أَنْتِ تَفْعَلِينَ وَاجِبِكَ.	 أَنْتُمَا تَفْعَلَانِ وَاجِبِكُمَا.	 أَنْتُنَّ تَفْعَلْنَ وَاجِبِكُنَّ.
مُتَكَلِّمٌ	 أَنَا فَعَلْتُ وَاجِبِي.	 نَحْنُ فَعَلْنَا وَاجِبِنَا.	
	وَخَدَهُ	مَعَ الْغَيْرِ	

بر همین مثال، ۱۴ شکل جمله «هُوَ يَشْكُرُ رَبَّهُ» را بگویید.

## صرف اسم (از نظر عدد و جنس)

کاتبه	مفرد مؤنث	کاتب	مفرد مذکر
کاتبان - کاتبتین	مثنی مؤنث	کاتبان - کاتبتین	مثنی مذکر
کاتبات	جمع مؤنث	کاتبون - کاتبتین	جمع مذکر

با توجه به جدول بالا به این پرسش‌ها پاسخ دهید.

۱) علامت اسم مفرد مؤنث چیست؟

۲) علامت اسم مثنی چیست؟

۳) علامت اسم جمع مذکر سالم چیست؟

۴) علامت اسم جمع مؤنث سالم چیست؟

۵) جمع مکسر «کاتب» چیست؟

برخی اسم‌ها جمع سالم دارند و برخی جمع مکسر. جمع اسم‌های زیر را بنویسید.

مهندس ..... تلمیذة ..... شهید : .....

## جمع مکسر

جمع مکسر قاعده خاصی ندارد و باید از قبل مفرد و جمع کلمه مورد نظر را شنیده باشیم.

چند نمونه از وزن‌های مشهور جمع مکسر عبارتند از :

مفاعِل (مَساجِد)، أفعال (أشخاص)، فُعلاء (عُلماء)، تفاعیل (تفاسیر)،

فُعول (دُروس)، فِعال (رِجال)، فُعال (تُجار)، فِعل (عِلل)، فُعل (غُرَف)،

أفِعلَة (أطعمَة)، فِواعِل (عِواظ)، مفاعیل (مفاتيح) و .....

اکنون شما جمع مکسر این کلمه‌ها را بگویید.

وزیر ..... تعلیم ..... عبَد ..... حُکم ..... جارِحَة ..... صورة ..... مَعبَد .....

## اعراب

در کلاس سوم راهنمایی خواندید که :

فاعل مرفوع است. مثال : دَهَبَ الطَّالِبُ.

فاعل و مرفوع

مفعول منصوب است. مثال: شَرِبَ الْوَلَدُ الْمَاءَ.

مفعول به و منصوب

مبتدا و خبر هر دو مرفوع هستند. مثال: العلم مفيد.

مبتدا خبر

و مرفوع و مرفوع

اکنون شما اعراب کلمات جمله های زیر را معلوم کنید.  
ذَهَبَ الْوَلَدُ. قَرَأَتِ الطَّالِبَةُ الْقُرْآنَ.

فَتَحَ الْمُعَلِّمُ الْكِتَابَ فِي الصَّفِّ.

علامت رفع : ؤ، ؤ، ؤ

علامت نصب : ء، ء، ء

علامت جر : ـ، ـ، ـ





علامت جزم : ؤ

## اسم اشاره به نزدیک

	این دانش آموز	هَذَا الطَّالِبُ
	این دو دانش آموز	هَذَانِ الطَّالِبَانِ - هُذَيْنِ الطَّالِبَيْنِ
	این دانش آموزان	هَؤُلَاءِ الطُّلَّابُ
	این دانش آموز	هَذِهِ الطَّالِبَةُ
	این دو دانش آموز	هَاتَانِ الطَّالِبَتَانِ - هَاتَيْنِ الطَّالِبَتَيْنِ
	این دانش آموزان	هَؤُلَاءِ الطَّالِبَاتُ



## اسم اشاره به دور

	آن دانش آموز	ذَلِكَ الطَّالِبُ
	آن دانش آموزان	أُولَئِكَ الطُّلَابُ
	آن دانش آموز	تِلْكَ الطَّالِبَةُ
	این دانش آموزان	أُولَئِكَ الطَّالِبَاتُ

بسیاری از کلمه‌ها در زبان عربی دارای وزن و حروف اصلی هستند. مثلاً همهٔ این کلمات دارای سه حرف اصلی «ح ک م» هستند.

حَاكِمٌ، مَحْكُومٌ، حَكِيمٌ، مُحَكَّمٌ، تَحْكِيمٌ، اسْتِحْكَامٌ، حُكْمَاءٌ، أَحْكَامٌ، حِكْمَةٌ همهٔ این کلمات دارای سه حرف اصلی «ع ل م» هستند.

عَالِمٌ، مَعْلُومٌ، عَلِيمٌ، تَعْلِيمٌ، تَعَلَّمَ، مُعَلِّمٌ، اسْتِعْلَامٌ، عِلْمَةٌ، أَعْلَمُ

اکنون به این کلمه‌ها توجه کنید:

مَحْكُومٌ، مَعْلُومٌ، مَنصُورٌ، مَجْبُورٌ، مَكْتُوبٌ، مَفْتُوحٌ، مَأْمُورٌ، مَحْمُودٌ

همهٔ کلمات بالا بر وزن «مَفْعُولٌ» هستند.

مثال‌های دیگر:

عابد، رافع، شاهد، قادر، واصل، خالق، صادق بر وزن فاعل

انقطاع، انقراض، انبساط، انكسار، انصراف، انهدام بر وزن انفعال

# تمارين

## التدريب الأول

أكمل الجدول التالي ثم أكتب الرمز في المكان

المناسب:

ستون رمز		
		ف
		ل
		م

رمز را این جا بنویسید :

١- كليلد

٢- عبادت كن (للمؤنث)

٣- جمع «عليم»

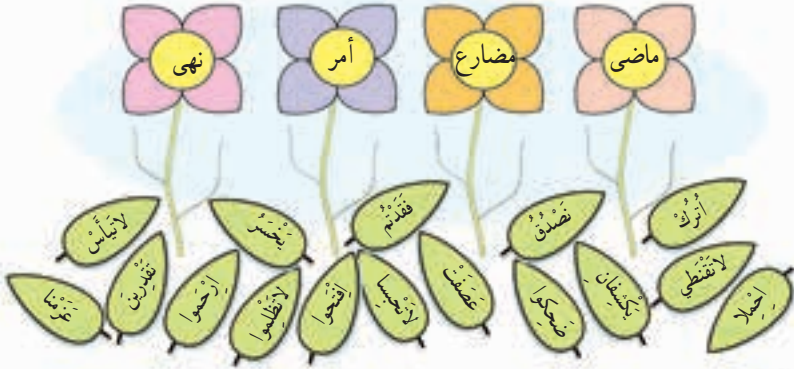
٤- فرمان می دهند (للعائبات)

٥- زن

٦- جمع «رُكن»

## التدريب الثاني

ترجم الأفعال التالية ثم أعمل كل فعل في مكانه المناسب :



## التدريب الثالث

اجعل في الفراغ فعلاً مضارعاً للنهى :

(تلبسون)

١- ﴿... الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ﴾

(تحزن)

٢- ﴿...، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾

(تقربان)

٣- ﴿... هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾

نهى (از مضارع مخاطب)	منفى (مضارع)	مضارع	منفى (ماضى)	ماضى
..... .....	..... .....	يَتَعَبُ .....	..... .....	تَعَبَ (خسته شد)
..... .....	..... .....	..... .....	مَا شَرِبْتُ .....	..... .....
..... .....	..... .....	يَضْرَحْنَ فرياد می زنند	..... .....	..... .....

أكتب كل كلمة في مكانها المناسب من الجدول ثم اذكر مفردها :

والدين، أيام، مسؤولين، جنتان، عالمات، صادقين، صالحات، بحرین، علوم، خاشعون،  
فراشات، عباد.

المفرد	جمع التفسير	المفرد	الجمع السالم	المفرد	المثنى



## التدريب السادس

إجعل في الفراغ ضميراً مناسباً:



## التدريب السابع

عَيِّنْ إعرابَ الكلماتِ التي أُشيرُ\* إليها بخطّ :

أَللَّهُمَّ، ... قَوْلِكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ .

﴿ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ﴾

مبتدأ	خبر	فاعل	مفعول	مجورر بحرف الجر

## التدريب الثامن

عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ :

١- لَا تَبْتَخِثُوا عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ .

در مورد عیب های مردم بحث نکنید.

در جست و جوی عیب های مردم نباشید.

٢- ﴿ اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾

خداوند می داند و شما نمی دانید.

خداوند می داند و آنها نمی دانند.

٣- ﴿ اِرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ ﴾

رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را پرستید.

رکوع و سجود کردند و پروردگارشان را پرستیدند.

- 
- 
- 
- 
- 
-



در ترجمه، توجه به نکات زیر- که در سال‌های قبل خوانده‌ایم - ضروری است.

- ۱- اسمیه یا فعلیه بودن جمله
- ۲- فعل و صیغه آن (ماضی، مضارع، امر، غایب، مخاطب، متکلم)
- ۳- ضمائر
- ۴- اسم‌های اشاره
- ۵- سؤالی و یا منفی بودن جمله
- ۶- تشخیص فاعل و مفعول
- ۷- تشخیص مفرد یا مثنی و یا جمع بودن اسمها

با توجه به مطالب گفته شده، غلط‌های ترجمه‌های زیر را پیدا کنید و صحیح آنها را بنویسید :

- ۱- ﴿أَكْتُبُ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ﴾ ۴- يَسْمَعُ اللَّهُ نِدَاءَ الْمَظْلُومِينَ .  
برای ما در آن دنیا و آخرت نیکی را می‌نویسم . خدا صدای ستمدیدگان را شنید .
- ۲- ﴿إِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾ ۵- ﴿لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾  
به سوی پروردگارتان باز گردید . جز خدا را عبادت نمی‌کنید .
- ۳- ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾  
خداوند پس از سختی آسانی قرار داد .

صفحه «کارگاه ترجمه» به منظور توجه و اهتمام بیشتر به موضوع تقویت قوه درک و فهم متون عربی و آشنایی با اصول ترجمه و نکته‌های مهم آن فراهم شده است.

## الف

با توجه به زمان و صیغه فعل‌های مشخص شده، جاهای خالی را پر کنید :

- ۱- قَالَ : ﴿ اُخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴾ . (حجر / ۳۴) گفت : از این [مقام] ..... که تو رانده شده‌ای .
- ۲- ﴿ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴾ . (رحمن / ۲۲) از هر دو [دریا] مروارید و مرجان ..... .
- ۳- ﴿ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا ﴾ . (انفال / ۴۷) مانند کسانی نباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی ..... .

\*\*\*

## ب

حرکت آخر (اعراب) کلماتی را که زیر آنها خط کشیده شده، مشخص کنید :

- ۱- ﴿ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ ﴾ (اسراء / ۸۱) حق آمد و باطل از میان رفت .
- ۲- ﴿ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ ... ﴾ (توبه / ۲۶) خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و ... فرو فرستاد .
- ۳- ﴿ اللَّهُ عَلَيْهِمُ بِالظَّالِمِينَ ﴾ (بقره / ۹۵) خداوند بر [حال] ستمکاران آگاه است .

## فقرحان ترجم البلاغه

«العلم»

یا کُمیل،

العلم خیر من المال .

\*\*\*

العلم یحرسک<sup>۲</sup> و أنت تحرس المال . «جکم ۱۴۷»

● ترجم عباراتِ اِلَى الْفَارَسِيَّةِ ثُمَّ عَيَّنَ الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرَ .

۱- الرَّحَابُ : ج رَحْب : گستره

۲- يَحْرُسُكَ : تو را حفظ می کند.

# \* زيارَةُ الحَبِيبِ

الدَّرْسُ الثَّانِي









– لا... أين؟

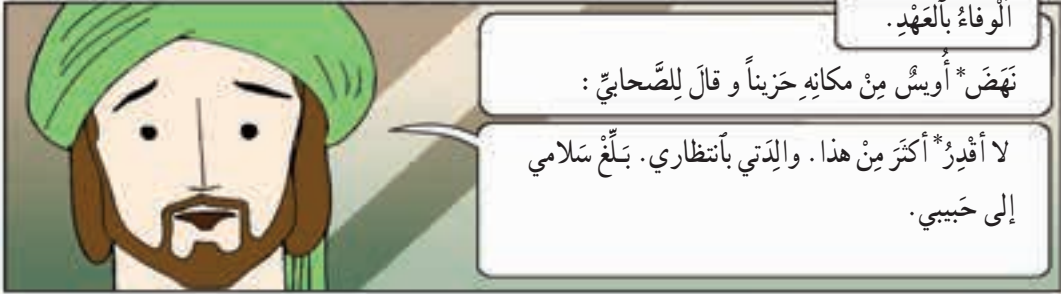
– هو سافر إلى مكانٍ قريبٍ،  
يَرْجِعُ بَعْدَ قَلِيلٍ\* إِنْ شَاءَ اللَّهُ.



– قَطَعْتُ هَذِهِ الْمَسَافَةَ الْبَعِيدَةَ لِمَزَارَةِ حَبِيبِي.

وَالِدَتِي.

فَجَلَسْتُ عَلَى الْأَرْضِ قَلِيقًا\*. نَظَرْتُ إِلَى السَّمَاءِ.  
فَتَسَّسْتُ\* عَنِ مَوْضِعِ الشَّمْسِ.



أَلَوْفَاءٌ بِالْعَهْدِ.

نَهَضْتُ\* أَوْيُسَ مِنْ مَكَانِهِ حَزِينًا وَقَالَ لِلصَّحَابِيِّ:

لَا أَقْدِرُ\* أَكْثَرَ مِنْ هَذَا. وَالِدَتِي بَأْتَنْظَارِي. بَلَغَ سَلَامِي  
إِلَى حَبِيبِي.



و تَرَكَ الْمَدِينَةَ.

و بَعْدَ سِنِينَ\* جَاهَدَ أَوْيُسَ  
فِي مَعْرَكَةِ صِفِّينَ وَ هُوَ يُدَافِعُ  
عَنْ حَبِيبِ حَبِيبِهِ. فَوَقَعَ عَلَى  
الْأَرْضِ شَهِيدًا. هُنَيْئًا\* لَكَ  
الشَّهَادَةُ يَا أَوْيُسَ.



رَجَعَ النَّبِيُّ (ص) مِنْ سَفَرِهِ.

إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَانِ مِنْ  
جَانِبِ الْيَمَنِ.  
تَفُوحُ\* رَائِحَةُ الْجَنَّةِ مِنْ قِبَلِ  
(«قَرْن»)\*.

به آیات زیر توجه کنید :

- ۱- ﴿أَمْرٍ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾
- ۲- ﴿النَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ﴾
- ۳- ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- چه تفاوتی از لحاظ تعداد حروف در این افعال مشاهده می کنید؟
- ۲- کدام فعل کمترین تعداد حروف را دارد؟
- کدام فعل بیشترین تعداد حروف را دارد؟
- ۳- صیغهٔ اول ماضی این فعل ها کدام است؟

فعل هایی مانند «أَمْرٌ»، «يَسْجُدَانِ»، «فَتَحْنَا» که صیغهٔ اول فعل ماضی آنها از سه حرف تشکیل می شود، «ثلاثی مجرد» نام دارد.

## يك سوال اساسی

آیا فکر می کنید همهٔ نیازهای زبان عربی در گفتن و نوشتن با فعل های سه حرفی برطرف می شود؟  
برای یافتن پاسخ سؤال فوق به تابلوی زیر توجه کنید :

- ۱- ﴿أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ﴾
- ۲- ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾
- ۳- ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا...﴾

ثلاثی : سه حرفی  
مجرد : تنها  
ثلاثی مجرد : ... ؟

– آیا می‌توانید صیغه‌های اول ماضی فعل‌های سه‌آیه مبارکه صفحه قبل را پیدا کنید؟  
– صیغه اول ماضی این افعال دارای چند حرف است؟

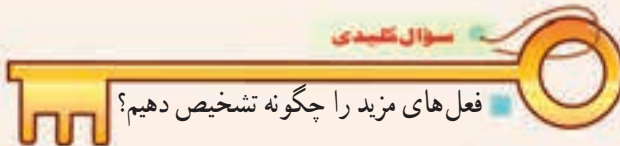
فعل‌هایی مانند: «تُكذِّبَانِ»، «أَرْسَلْنَا»، «هَاجَرُوا»، «جَاهِدُوا...» که صیغه اول ماضی آنها بیش از سه حرف دارد، «ثلاثی مزید» نامیده می‌شود.

حال از خود سؤال کنید :

- ۱- ملاک تشخیص مجرد یا مزید بودن فعل، کدام صیغه است؟
- ۲- فعل «ثلاثی مجرد» با «ثلاثی مزید» از لحاظ ظاهری چه تفاوتی دارد؟
- ۳- برای یافتن صیغه اول ماضی چه کارهایی انجام می‌دهیم؟



سؤال کلیدی



جواب

■ فعل‌های مزید قالب‌های مشخصی دارند.  
ما در این درس با سه وزن از فعل‌های مزید آشنا می‌شویم :



این سه نکته را در مورد باب افعال به خاطر داشته باشیم.

- ۱- ماضی این باب بر وزن «أَفْعَلَّ» : أَحْسَنَ، أَظْهَرَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يُفْعِلُّ» : يُحْسِنُ، يُظْهِرُ
- ۳- مصدر این باب بر وزن «إِفْعَالٌ» : إِحْسَانٌ، إِظْهَارٌ



همه فعل‌ها - چه مجرد و چه مزید - «مصدر» دارند.



«مصدر» را به عنوان پایه و اساس برای فعل قرار دهیم.

مصادر فعل‌های مجرد اوزان معینی ندارند، بلکه سَمَاعِي هستند.

## اما

مصادر فعل‌های مزید وزن معینی دارند. به عبارت دیگر «قیاسی» هستند.

### مصادر قیاسی

- ۱- ماضی و مضارع و مصدر فعل «كَرَّمَ» در باب افعال کدام است؟
  - ۲- صیغه اول ماضی از باب افعال چند حرف دارد؟
  - ۳- در فعل ماضی باب افعال کدام حرف زاید است؟
  - ۴- ملاک تشخیص اصلی یا زاید بودن حروف یک کلمه چیست؟
  - ۵- جاهای خالی را پر کنید:
- هِيَ... (أُتِبَتْ) — اَنْتُمْ... (يُنْتَبِئُ)

## مهرنگار

### تفصیل

این سه نکته را در مورد باب تفعیل به خاطر داشته باشیم.



- ۱- ماضی این باب بر وزن فَعَّلَ : عَلَّمَ، قَدَّمَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن يُفَعِّلُ : يُعَلِّمُ، يُقَدِّمُ
- ۳- مصدر این باب بر وزن تَفَعَّلَ : تَعَلَّمَ، تَقَدَّمَ

مصادر فعل‌های مجرد قالب مشخصی ندارند. پس باید آنها را با تکرار و تمرین به خاطر سپرد.

حال به این چند سؤال پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و مصدر فعل «صَدَقَ» از باب تفعیل را بنویسید.
- ۲- صیغهٔ اول ماضی در باب تفعیل چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا تعداد حروف زاید باب افعال و تفعیل با همدیگر فرق می‌کند؟
- ۴- چرا فعل «قَدَّمَ» ثلاثی مزید است؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید :  
- هُما ... (دَبَّرَ)      - أَنْتَ ... (يُدَبِّرُ)

این سه نکته را در مورد باب مفاعله به خاطر داشته باشیم.

## مهرنگار مفاعله

- ۱- ماضی این باب بر وزن «فَاعَلَّ» : جَاهَدَ، دَافَعَ، خَالَفَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يُفَاعِلُ» : يُجَاهِدُ، يُدَافِعُ، يُخَالَفُ
- ۳- مصدر این باب بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» و گاهی «فِعَالٌ» : مُجَاهَدَةٌ، مُدَافَعَةٌ، مُخَالَفَةٌ، جِهَادٌ، دِفَاعٌ، خِلَافٌ

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و مصدر فعل «نَصَرَ» از باب «مفاعله» را بنویسید.
- ۲- صیغهٔ اول ماضی در باب «مفاعله» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا تعداد حروف زاید باب مفاعله و افعال و تفعیل با همدیگر فرق می‌کند؟
- ۴- چرا فعل «صَادَقَ» ثلاثی مزید است؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید :  
- هُمْ ... (دَافَعَ)      - أَنْتُمْ ... (يُدَافِعُ)

## نکته اول

فعل های مزید نیز مانند فعل های ثلاثی مجرد صرف می شوند : يُعْمَلُونَ، أَكْرَمْنَا ... و

قبلاً آموختیم که برای ساختن فعل امر حرف مضارع «ت» حذف می‌شود و به جای آن یک همزه با حرکت کسره ـ و یا ضمه ؕ آورده می‌شود؛ مانند : اِذْهَبْ، اُخْرَجْ

اکنون می‌آموزیم که

همزهٔ بابِ اِفعال در فعل امر همیشه **مفتوح** است :  
تُكْرِمُ ← اَكْرِمُ      تُحْسِنُ ← اَحْسِنُ

## نکتهٔ دوم

برای ساختن فعل امر چه نیازی به همزه داریم؟ برای یافتن پاسخ، یک بار دیگر به نحوهٔ ساخت فعل امر توجه می‌کنیم.

حذف «ت» از اوّل

تَخْرُجُ ← خُرُجُ ← اُخْرَجُ

حذف حرکت آخر

تَذْهَبُ ← ذَهَبُ ← اِذْهَبْ

– در عربی مانند فارسی حرف ابتدای کلمه نمی‌تواند ساکن باشد.

– همزه امر (غیر از باب اِفعال) چه حرکتی دارد؟

هرگاه پس از حذف حرف مضارع،

مواجه با حرکت ساکن نشدیم، دیگر نیازی

به همزه نداریم؛ مانند :

تُجَاهِدُ ← جَاهِدْ

تُعَلِّمُ ← عَلِّمْ

عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ\*:



- ١- كَانَ أُوسُ مُشْتَاقًا لِرِيزَارَةِ النَّبِيِّ (ص).
- ٢- وَعَدَّ أُوسُ أُمَّهُ بِالرُّجُوعِ بَعْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.
- ٣- جَاهَدَ أُوسُ فِي مَعْرَكَةِ «نَهْرَوَانَ»، فَوَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ شَهِيدًا.

با توجه به کفه‌های پر شده، کلمات هم وزن آنها را پیدا کنید:

أَحْسَنَ جَالَسَ أَشْرَكَ أَكْرَمَ هَاجَرَ  
كَانَتْ كَبَّرَ قَدَّمَ عَلَّمَ

أَفْعَلٌ	؟	فَعَّلٌ	؟	فَاعَلٌ	؟
أَكْرَمَ					

حال چنانچه در کفه‌های پر شده کلمات «بُفَعِّلُ، يُفَعِّلُ و يُفَاعِلُ» را قرار دهید، جهت برابر شدن کفه‌ها در وزن فعل‌های بالا چه تغییری ایجاد می‌شود؟

يُنْفَعِلُ	؟	يُنْفَعِّلُ	؟	يُفَاعِلُ	؟
		يُعَلِّمُ			

اکنون مصادر فعل‌های بالا را در جای خالی قرار دهید:

		مُهَاجِرَةٌ
--	--	-------------

### التصويبات الثالث

إجعل في الفراغ كلمة مناسبة:

- ١- ﴿وَ أَحْسِنِ كَمَا ... اللَّهُ إِلَيْكَ﴾  
 أَحْسِنَ       أَحْسَنُوا
- ٢- ﴿إِنَّا ... هُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾  
 أَنْزَلْنَا       أَنْزَلَ
- ٣- ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ... أَفْدَامَنَا﴾  
 نَبَّأْنَا       نَبَّأُوا
- ٤- ﴿إِنَّا نَحْنُ ... عَلَيْكَ الْقُرْآنُ﴾  
 نَزَّلْنَا       نَزَّلْتُ

### التصويبات الرابع

ترجمه های زیر را در جای مناسب قرار دهید.

جهاد کن - نازل می کنید - جهاد می کنی - گرامی داشتم - نازل کرد - نازل کن - جهاد کردند -  
 گرامی بدارید - گرامی می داریم

باب	ماضی	مضارع	امر
إفعال	أَكْرَمْتُ : .....	نُكْرِمُ : .....	أَكْرِمُوا : .....
تفعیل	تَزَّلَ : .....	تُنزِّلُونَ : .....	تَزَّلْ : .....
مفاعلة :	جَاهَدْنَ : .....	تُجَاهِدِينَ : .....	جَاهِدِي : .....

### التصويبات الخامس

أكمل ترجمة الجمل التالية:

- ١- لَا يَشْعُرُ الْمُؤْمِنُ بِالضَّعْفِ عِنْدَ مُوْجِهَةِ الْمَشَاكِلِ .  
 ..... به هنگام ..... با مشکلات احساس ضعف .....
- ٢- اللَّهُمَّ! نَوِّرْ قُلُوبَنَا بِنُورِ الْإِيمَانِ وَ الْيَقِينِ .  
 خدايا! ..... ما را به نور ایمان و یقین .....
- ٣- هُوَ لَاءِ وَ جَدُوا السَّعَادَةَ فِي مُسَاعَدَةِ الْآخَرِينَ .  
 اینان ..... را در ..... به دیگران .....
- ٤- الْمُؤْمِنُونَ يُجَاهِدُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ .  
 مؤمنان با ..... و جان هایشان در ..... خدا .....



□ فعل‌هایی که در یکی از باب‌های «إفعال»، «تفعیل» به کار می‌روند، اغلب به صورت «متعدی» یعنی گذرا ترجمه می‌شوند. به عبارت دیگر در هنگام ترجمه، نیاز به مفعول دارند. مثال:

جَلَسَ : نشست (فعل لازم) ← أَجْلَسَ : نشانید (فعل متعدی)

وَقَفَ : ایستاد (فعل لازم) ← وَقَفَ : ایستانید (فعل متعدی)

به فعل‌هایی که معنای آنها با فاعل کامل می‌شود «لازم یا ناگذر» می‌گوییم. به فعل‌هایی که علاوه بر فاعل به مفعول نیز نیاز داشته باشند «متعدی یا گذرا» می‌گوییم.

□ پاره‌ای از افعال همراه حرفی به کار می‌روند که در هنگام ترجمه به فارسی نیازی به حروف نیست؛ مانند: سَخَّرِمَنْ (مسخره کرد)، حَصَلَ عَلَيَّ (به دست آورد)، شَعَرِدَ (متوجه شد، احساس کرد) ترجمه متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

### «التَّجْرِبَةُ»

أَرْسَلَ رَجُلٌ وَدَّهَ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ لِكَسْبِ التَّجَارِبِ. فَلَمَّا خَرَجَ الْوَلَدُ مِنَ الْمَدِينَةِ، شَاهَدَ تَعَلُّبًا مَرِيضًا. مَرَدِي پسرش را برای به دست آوردن تجربه‌ها به بیرون شهر برد. وقتی که پسر از شهر خارج شد، روباه بیماری آمد. فَوَقَفَ مُدَّةً وَفَكَرَ: «كَيْفَ يَحْضُلُ عَلَيَّ الطَّعَامُ»؟! «کی غذا به دست می‌آورد»؟! «کی مدتی نشست و اندیشید: «کی غذا به دست می‌آورد»؟! «کی مدتی نشست و اندیشید: «کی غذا به دست می‌آورد»?!»

في هذه اللحظة شاهد أسداً جنب صيد. فلما قُرب من التَّلَبُّبِ أَكَلَ مِنَ الصَّيْدِ وَتَرَكَ الْبَاقِيَّ وَذَهَبَ. در این لحظه شیری را دید که کنار شکاری بود. وقتی که به روباه نزدیک شد دست از شکار برداشت و بقیه را ترک کرد و خارج شد.

بَعْدَ لِحْظَةٍ حَرَّكَ التَّلَبُّبُ نَفْسَهُ بِضَعُوبَةٍ وَقُرْبٍ مِنَ الصَّيْدِ وَبَدَأَ بِالْأَكْلِ. پس از لحظه‌ای روباه بدنش را به آرامی حرکت داد و به شکار نزدیک شد و شروع به خوردن کرد. فَقَالَ فِي نَفْسِهِ: إِنَّ اللَّهَ كَفِيلٌ بِالرُّزْقِ، فَلِمَاذَا أَتَحَمَّلُ الْمُسْتَمَّةَ؟! فَرَجَعَ إِلَى الْوَالِدِ وَشَرَحَ لَهُ الْقِصَّةَ. پس با خودش گفت: قطعاً خدا ضامن روزی است. پس چرا سختی تحمل کردم؟! پس به سوی پدرش رفت و داستان را برایش شرح داد.

فَقَالَ الْوَالِدُ: يَا بَنِيَّ لَقَدْ أَخْطَأْتَ. لِأَنِّي فَصَدْتُ لَكَ حَيَاةً كَرِيمَةً. أَنْظُرْ إِلَى الْأَسَدِ. كَيْفَ يُسَاعِدُ الْآخِرِينَ وَهُوَ حَيَوَانٌ قَوِيٌّ كَمَا تَعَلَّمُ.

پدر گفت: پسر جانم، قطعاً اشتباه می‌کنی. من برایت زندگی شرافتمندانه را خواستم. به شیر نگاه می‌کنم. چگونه به اطرافیان کمک می‌کند و همان‌گونه که می‌دانی او جانوری نیرومند است.

و لَكِنَّهُ أَنْظَرَ إِلَى التَّلَبُّبِ. هُوَ يَنْتَظِرُ مُسَاعَدَةَ الْآخِرِينَ. فَلَيْسَتْ لَهُ حَيَاةٌ كَرِيمَةً. فَفَهَّمِ الْوَالِدُ وَغَيَّرَ نَظْرَتَهُ حَوْلَ الْحَيَاةِ. ولی به روباه نگاه کن. او منتظر کمک دیگران است. پس زندگی شرافتمندانه‌ای برایش نیست. پس پسر فهمید و دیدگاهش پیرامون زندگی تغییر کرد.

الف : در قواعد درس با باب «تفعیل» آشنا شدیم، اکنون با توجه به ترجمه آیات در جای خالی از مصدر «تسبیح»

(خدا را به پاکی یاد کردن) فعل مناسب قرار دهید :

۱- ﴿نَحْنُ ..... بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ﴾ (بقره/ ۳۰)

ما با ستایش تو، از تو به پاکی یاد می کنیم و به تقدیست می پردازیم.

۲- ﴿..... اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ﴾ (انبیاء/ ۲۰)

شبانه روز خداوند را به پاکی یاد می کنند و سستی نمی ورزند.

۳- ﴿فَأَضْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَ ..... بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ (طه/ ۱۳۰)

بر آنچه می گویند، شکبیا باش و با ستایش پروردگارت از او به پاکی یاد کن.

ب : دو آیه زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید :

﴿و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ (اسراء/ ۱۰۵)

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (ججر/ ۹)

نَزَّلَ - نَزَّلَ



نَزَّلَ

سؤال :

تفاوت میان نَزَّلَ و أَنْزَلَ از جهت لفظ و معنی چیست؟ .....

تفاوت میان نَزَّلَ و نَزَّلَ از جهت لفظ و معنی چیست؟ .....









في بيتٍ آخرَ

– مالِكٌ \*تَأَمَّلُ\*؟!  
الشمسُ مُحْرِقَةٌ\*  
غداً حَفْلَةٌ\*.



– بَلَى ولكن هَؤُلاءِ يَهْرُبُونَ من قِراءةِ  
الدروسِ.  
هم يَتَكاسَلُونَ\* لاشكَّ.  
– ولكن...!



– مَنْ هُوَ؟

– لا أَدْرِي.  
ذلكَ الولدُ.



– شَيءٌ جَمِيلٌ. بِأَيِّ مَناسِبَةٍ؟

– أُمَامَ، نَعْقِدُ حَفْلَةً في  
المَدْرَسَةِ.

– لِنَعْيِنِ التَّلْمِيزِ المِثَالِي.



إِسْتَيْقَظَ\* قَبْلَ طُلُوعِ الفَجْرِ و تَوَضَّأَ\*  
و بَعْدَ الصَّلَاةِ، هَيَّأَ\* نَفْسَهُ لِلذَّهَابِ.  
فَدَهَبَ وَحَدَهُ.



لا بَأْسَ.



– على أَيِّ حَالٍ، هل نَذهَبُ مَعاً يا  
أُمَامَ؟

– يا بُنَيَّ، أَنْتَ تَعَلَّمُ أَنَّ  
غَدًا\* مَوْعِدَ تَسْلِيمِ السَّجَادَةِ\*  
لِصَاحِبِهَا. لا أَقْدِرُ، أَسِفَةٌ\*.

في المدرسة

مَرْحَبًا تَفَضَّلُوا.

— شُكْرًا جَزِيلًا.



و بعد دقائق

بدأت المراسيم و بعد إجراء مَسْرَحِيَّةٍ \* و أُشْوَدَةٍ .

نحنُ أَجْتَمَعْنَا هُنَا لِتَكْرِيمِ \* تَلْمِيذٍ مِثَالِيَّ . هو أَسْوَةٌ \* لِجَمِيعِ فِي الْأَخْلَاقِ وَ فِي الدَّرْسِ وَالْعَمَلِ . هَذَا هُوَ «سَعِيدٌ» .



— إلهي، ماذا أشاهد؟ هو ذلك البائع.

— بُنَيَّ، لَقَدْ اشْتَبَهْتُ لَا،  
هو النَّاجِحُ فِي الْحَقِيقَةِ نَحْنُ  
نَتَكَاسَلُ .



أَقْبِلْ \* سَعِيدٌ وَ اسْتَقْبَلَهُ الْمَدِيرُ بِحَفَاوَةٍ \* وَ بَعْدَ مَصَافِحَتِهِ \* عَلَّقَ \* عَلَى عُنُقِهِ \* وَسَامَ \* الْأَجْتِهَادِ وَ النَّشَاطِ . وَ مَنَحَهُ \* جَائِزَةً .





ملاک تشخیص  
صیغهٔ اول ماضی

بیش از سه حرف  
یعنی مزید

مجرد و مزید

مُفَاعَلَةٌ

تَفْعِيلٌ

إِفْعَالٌ

فَاعِلٌ

فَعَّلَ

أَفْعَلَ

يُفَاعِلُ

يُفَعِّلُ

يُفْعِلُ

فَاعِلٌ

فَعَّلَ

أَفْعِلُ

چرا باب‌های مزید را می‌آموزیم؟

آموختن باب‌های مزید عبارت است از :

فواید

- ۱- آشنایی و فهم معانی فعل‌های مزید.
- ۲- استفاده از کتاب‌های لغت (چون اکثر فرهنگ‌های لغت براساس ریشهٔ سه حرفی تنظیم شده‌اند).
- ۳- آشنایی با مصدرهای ثلاثی مزید رایج در زبان فارسی.

و اکنون ادامهٔ موضوع ...

معرفت  
تَفْعِيلٌ

۱- ماضی این باب بر وزن «تَفَعَّلَ» می‌آید : تَعَلَّمَ

۲- مضارع این باب بر وزن «يَتَفَعَّلُ» می‌آید : يَتَعَلَّمُ

۳- امر این باب بر وزن «تَفَعَّلْ» می‌آید : تَعَلَّمْ

۴- مصدر این باب بر وزن «تَفَعَّلَ» می‌آید : تَعَلَّمْ

حال به این سؤالات پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «صَدَّقَ» از باب «تَفَعَّلَ» کدام است؟
- ۲- صیغۀ اوّل ماضی در باب «تَفَعَّلَ» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا می‌توانید سه مصدر از باب تَفَعَّلَ را که در فارسی به کار می‌رود، ذکر کنید؟
- ۴- جاهای خالی را پر کنید :  
- هُم ..... (تَصَدَّقَ) - اَنَا ..... (يَتَصَدَّقُ)

## معرفة تفاعل

- ۱- ماضی این باب بر وزن «تَفَاعَلَ» می‌آید : تَكَاتَبَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَتَفَاعَلُ» می‌آید : يَتَكَاتَبُ
- ۳- امر این باب بر وزن «تَفَاعَلْ» می‌آید : تَكَاتَبْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «تَفَاعَلْ» می‌آید : تَكَاتَبْ

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «قَبِلَ» از باب «تَفَاعَلَ» کدام است؟
- ۲- صیغۀ اوّل ماضی در باب «تَفَاعَلَ» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- فعل «تَضَارَبَ» ماضی است یا مضارع؟
- ۴- آیا از مصدر باب تفاعل کلماتی در زبان فارسی به خاطر دارید؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید :  
- هِيَ ..... (تَعَارَفَ) - هُم ..... (يَتَعَارَفُ)

## معرفة افتعال

- ۱- ماضی این باب بر وزن «اِفْتَعَلَ» می‌آید : اِكْتَسَبَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَفْتَعِلُ» می‌آید : يِكْتَسِبُ
- ۳- امر این باب بر وزن «اِفْتَعِلْ» می‌آید : اِكْتَسِبْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «اِفْتِعَالْ» می‌آید : اِكْتِسَابْ

صیغۀ اوّل ماضی بر وزن «تَفَاعَلَ» می‌آید؛ آیا حرف «تاء» از حروف مضارعه است؟

«اِحترموا» هم در فعل «امر» است و هم «ماضی». تشخیص میان این دو چگونه است؟  
اِحترموا ، احترموا



حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «حَرَمَ» از باب «اِفْتَعَال» کدام است؟
- ۲- صیغهٔ اول ماضی در باب «اِفْتَعَال» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا از مصدر باب اِفْتَعَال کلماتی را در زبان فارسی به کار می‌بریم؟
- ۴- جاهای خالی را پر کنید : - اَنْتُمْ ... (يَعْتَدِلُ) - اَنْتَنْ ... (يَعْتَدِلُ «امر»)

## معرفت

### الْفَعَال

- ۱- ماضی این باب بر وزن «اِنْفَعَل» می‌آید : اِنْقَلَبَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَنْفَعِلُ» می‌آید : يَنْقَلِبُ
- ۳- امر این باب بر وزن «اِنْفَعِلْ» می‌آید : اِنْقَلِبْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «اِنْفَعَال» می‌آید : اِنْقِلَاب

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «جَمَدَ» از باب اِنْفَعَال کدام است؟
- ۲- باب «اِنْفَعَال» چند حرف زاید دارد؟ (معیار، فعل ماضی است)
- ۳- آیا در باب «اِفْتَعَال» و «اِنْفَعَال» تفاوتی از لحاظ قرار گرفتن حروف زاید مشاهده می‌کنید؟
- ۴- آیا از مصدر باب «انفعال» در زبان فارسی کلماتی را سراغ دارید؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید : - اَنَا ... (يُنْصَرِفُ) - اَنْتَنْ ... (يُنْصَرِفُ «امر»)

## معرفت

### اِسْتِفْعَال

- ۱- ماضی این باب بر وزن «اِسْتَفْعَل» می‌آید : اِسْتَحْرَجَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَسْتَفْعِلُ» می‌آید : يَسْتَحْرِجُ
- ۳- امر این باب بر وزن «اِسْتَفْعِلْ» می‌آید : اِسْتَحْرِجْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «اِسْتِفْعَال» می‌آید : اِسْتِحْرَاج

«اِسْتَشَرَّ» و «اِنْقَلَبَ» کدام از باب «اِفْتَعَال» است و کدام «اِنْفَعَال»؟

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی، مضارع و امر فعل «قَبِلَ» از باب «اِسْتِفْعَال» کدام است؟
- ۲- باب استفعال چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا میان معنای «قَبِلَ» و «اِسْتَقْبَلَ» تفاوتی را مشاهده می‌کنید؟
- ۴- آیا معمولاً میان معانی فعل‌های مجرد و مزید تفاوتی وجود دارد؟ مثال بزنید.
- ۵- جاهای خالی را پر کنید : - هُمْ ... (اِسْتَقْبَلُ) - اَنْتَ ... (يَسْتَقْبِلُ «امر»)

با دانستن ابواب مزید تقریباً تمامی افعال را شناخته‌ایم.

التمرين الأول

عَيِّن الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ :



- ١- اِعْقَدَتِ الْحَفْلَةَ لِتَعْيِينِ التَّلْمِيذِ النَّاجِحِ.
- ٢- اَلتَّلْمِيذُ الْمَثَالِيُّ يَسْتَعْمِلُ بِالدَّرَاسَةِ وَ يَبِيعُ الصُّحُفِ.
- ٣- اَلَّذِي يَدْرُسُ وَ يَعْمَلُ لَا يُمَكِّنُ لَهُ النَّجَاحَ.
- ٤- اَلَّذِي يَجْمَعُ بَيْنَ الْعَمَلِ وَ الدَّرَاسَةِ يَعْرِفُ قِيَمَةَ الْوَقْتِ.

التمرين الثاني

عَيِّن الأفعالَ المزيّدة ثم اكتبها في مكانها المناسب :

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

- ١- ﴿يَتَّقِلِبُ﴾ \* إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿﴾
- ٢- ﴿جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ﴾
- ٣- ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا﴾
- ٤- ﴿رَبَّنَا ... كَفَرْنَا سَنَاقِتُنَا﴾
- ٥- ﴿اسْتَكْبَرَهُ وَ جُنُودَهُ فِي الْأَرْضِ﴾

التمرين الثالث

اكْمِلِ القُرَاعَ مَنَاسِبًا لِلضَّمِيرِ :

أَنْتُمْ	أَنْتُنَّ	أَنْتُمَا	هُمَا	هُنَّ	هُم	
إِسْتَضَعْتُمْ			إِسْتَضَعْنَا			ماضي إِسْتَضَعْتُمْ
	تَتَعَارَضْنَ			يَتَعَارَضْنَ		مضارع يَتَعَارَضْنَ
		تَعَلَّمَا				امر تَعَلَّمَا

اُكْتُبْ كُلَّ فِعْلٍ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ :

اِفْتَتَحَ، اجْتَنَبُوا، نَكْتَسِبُ، تَبَسَّمَ، يَنْتَصِرُونَ،  
انْصَرَفَ، اِشْتَرَكْنَا، اِنْقَلَبَ، تَنْزَلُ، تَبْسِطُ

اِنْفِعَال

تَفْعُل

اِفْتِعَال

عَيِّنِ الصَّحِيحَ :

١- لَا يَسْتَسْلِمُ الْأَحْزَارُ لِلظُّلْمِ . انسان های آزاده در برابر ظلم..... .

تسلیم نشدند ○ تسلیم نمی شوند ○ نباید تسلیم شوند ○

٢- ﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ! جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ ..... ﴾ ای پیامبر، با کافران و منافقان..... .

جهاد کردی ○ جهاد می کنی ○ جهاد کن ○

٣- تَعَلَّمَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ كَمَا تَتَعَلَّمُ حُسْنَ الْحَدِيثِ .

خوب گوش کردن را ..... همان طور که خوب صحبت کردن را..... .

بیاموز - آموختی ○ می آموزی - آموختی ○ بیاموز - می آموزی ○



- گاهی در ترجمه فعل‌های باب تفاعل و مفاعله به آوردن یک «با» نیاز داریم.
- فعل‌های باب «انفعال» به صورت «لازم» ترجمه می‌شوند.
- فعل‌های باب «افتعال» و «تفعل» لازم و گاهی متعدی هستند.
- فعل‌های باب «استفعال» غالباً متعدی هستند.

ترجمه زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

### «الْشَّهَامَةُ»

سَمِعَ الْغَزَالُ الصَّغِيرُ كَلَامَ الْأَسَدِ وَ الدَّبِّبِ. هُمَا يَتَحَدَّثَانِ وَيَتَفَاخِرَانِ بِقَتْلِ الْحَيَوَانَاتِ وَ السَّيْطَرَةِ عَلَى الْغَابَةِ.

### دلاوری

آهوی کوچک سخن شیر و روباه را می‌شنود. آن دو صحبت می‌کنند و به کشتن جانوران و چیرگی بر ناتوان‌ها افتخار می‌کنند.

عِنْدَمَا رَجَعَ الْغَزَالُ سَأَلَ أُمَّهُ: يَا أُمَاهُ، عِنْدَمَا يَفْتَخِرُ الْآخَرُونَ بِقُوَّتِهِمْ نَحْنُ بِمَاذَا نَفْتَخِرُ؟!  
وقتی که آهو رفت؛ از مادرش پرسید: مادر جان، هنگامی که آنان به نیرویشان افتخار می‌کنند ما به چه چیزی افتخار کنیم؟

قَالَتْ الْأُمُّ: نَحْنُ نَحْمَلُنَا صُعُوبَةَ الْحَيَاةِ بِشَّهَامَةٍ بَيْنَ هَذِهِ الْوَحُوشِ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةٍ وَلَكِنْ مَا انْهَزَفْنَا وَ مَا تَرَكْنَا الْغَابَةَ وَ اكْتَسَبْنَا رِزْقَنَا.

مادر پاسخ داد: ما سال‌هایی طولانی میان این جانوران وحشی با شهامت یک سال طولانی را تحمل کردیم ولی شکست نخوردیم و خانه را رها نکردیم و روزی به دست آوردیم.  
هذا فَخْرُنَا يَا وَلَدِي. اِبْتَسَمَ الْغَزَالُ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ بِاِفْتِخَارٍ.  
ای فرزندم، این افتخار است. آهو خندید و سرش را با افتخار بلند کرد.



الف : با توجه به معنی فعل های زیر، ترجمه آیات را کامل کنید. نوع، صیغه و مصدر فعل های تعیین شده را بنویسید :

تَكَبَّرَ (تکبر ورزید) اِسْتَكْبَرَ (سرکشی کرد) كَبَّرَ (بزرگ داشت)

۱- ﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (أعراف / ۱۴۶)  
به زودی کسانی را که در زمین به ناحق ..... ، از آیاتم روی گردان خواهم ساخت.  
نوع ..... صیغه ..... مصدر .....

۲- ﴿اِسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (قصص / ۳۹)  
او و سپاهیانش به ناحق در زمین .....  
نوع ..... صیغه ..... مصدر .....

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ وَرَبِّكَ فَكَبِّرُ﴾ (مدثر / ۱-۳)  
ای جامه در سر کشیده، برخیز و بیم ده و پروردگارت را .....  
نوع ..... صیغه ..... مصدر .....

ب : دو آیه زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید :

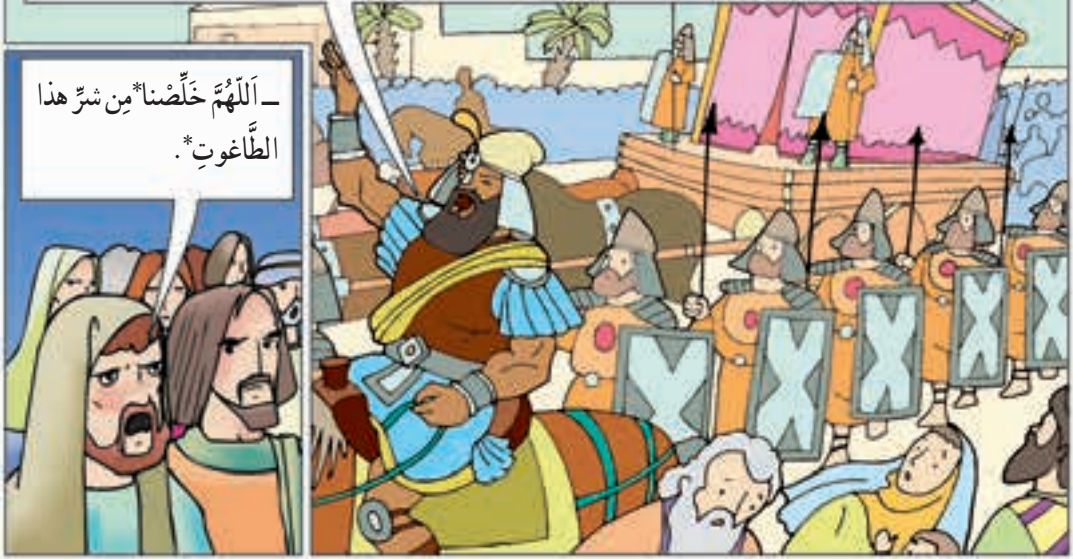
﴿فَاَسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (آل عمران / ۱۳۵)  
پس برای گناهان خویش آمرزش خواستند و کیست جز خدا که گناهان را بپامرزد؟  
﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ (نصر / ۳)  
پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است.

### سؤال

- ۱- تفاوت میان غَفَرَ و اِسْتَغْفَرَ از جهت معنی چیست؟
- ۲- تفاوت میان غَفَرَ و اِسْتَغْفَرَ از جهت لفظ چگونه است؟

أَيُّهَا النَّاسُ مَوْكِبُ\* صَاحِبِ الْجَلَالَةِ\* «قَارُونَ» الْمُعْظَمُ فِي الطَّرِيقِ. ائْتِعِدُوا\*.

– أَللَّهُمَّ خَلِّصْنَا\* مِنْ شَرِّ هَذَا  
الطَّاغُوتِ\*.



– يَا لَيْتَ\* لَنَا ثَرَوَةَ قَارُونَ!

– أَنْظُرُ. لَقَدْ خَرَجَ قَارُونُ  
فِي زِينَتِهِ\*.

– إِنَّهُ شَرٌّ مَخْلُوقٍ.

– أَخِي، مَا الْفَائِدَةُ فِي ثَرَوَةٍ وِرَاءَ\* هَالَعْنَةٍ  
النَّاسِ؟ إِنَّهُ كَافِرٌ بِنِعْمَةِ اللَّهِ.



– علينا أداء الواجب. نَحْنُ  
مُبَشِّرُونَ وَ مُنذِرُونَ.



– عَلَيْنَا الدَّهَابُ إِلَى قَارُونَ.

– هَلْ يَقْبَلُ التَّصِيحَةَ؟!

– لا، معلومٌ؛ هو رَجُلٌ مُتَكَبِّرٌ.



– أَلَا مَرَبَالْمَعْرُوفِ وَ التَّهْيِي عَنِ الْمُتَكَبِّرِ.



في قصرِ قَارُونَ

– ماذا تَطْلُبُونَ؟

أَنْتُمْ الْمُؤْمِنُونَ بِدِينِ مُوسَى.  
أَيُّهَا الْحَارِسُ،  
إِذْفَعْ لَهُمْ دِينَاراً مِنَ الدَّهَبِ. هُمْ فَقَرَاءٌ.



– يا قَارُونَ، أَحْسِنْ إِلَى الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ  
وَ الْمَظْلُومِينَ.







– إِنَّكَ سَتَشَاهِدُ جَزَاءَ عَمَلِكَ.



– ما هذه الكلمات؟!  
– أُخْرَجُوا، أُتْرِكُوا  
قَصْرِي.

– أَنْتُمْ مُفْسِدُونَ.



لا، نَطْلُبُ الْمَالَ.  
وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ\* وَ  
الْفِضَّةَ\* وَلَا يُفْقِدُونَهَا\* فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ\*.



– أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى  
قَارُونَ الْعَذَابَ.



– ماذا حَدَّثَ؟  
ماذا حَدَّثَ؟



الْفِرَارَ،  
الْفِرَارَ.

– هذه عاقبة  
المُكذِّبِينَ.



– سَمِعْتُ أَنَّ مُوسَى (ع)  
دَعَا قَارُونَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ.

– نعم، ولكن هو كافرٌ بِدِينِ  
الْمُرْسَلِينَ.



الْتَّجِدَةَ.

سَأَتَّقِي أَمْوَالِي.  
سَأَسَاعِدُ الْفُقَرَاءَ.

لَوَّلَاتِ حِينَ مَنَاصِي\*

و هَكَذَا ابْتَلَعَتْهُ\* الْأَرْضُ وَ ذَهَبَتِ الرِّبْنَةُ وَ الْمُؤَكَّبُ وَ الْقُصُورُ. وَ أَصْبَحَ قَارُونَ عِبْرَةً لِلْأَجْيَالِ\*.



## اسم جامد و اسم مشتق

اسم‌ها یا از کلمه دیگری گرفته شده‌اند که به آنها «اسم مشتق» گفته می‌شود یا از کلمه دیگری گرفته نشده‌اند که به آن «اسم جامد» می‌گوییم. اسم‌های مشتق هفت گروه هستند:



● اسم فاعل در فعل ثلاثی مجرد بر وزن «فاعِل» می‌آید.

اسم فاعل از فعل‌های «كَتَبَ، نَصَرَ، حَمِدَ و فَتَحَ» می‌شود:

کاتب، ناصر، حامد و فاتح

● اسم مفعول در فعل ثلاثی مجرد بر وزن «مَفْعُول» می‌آید.

اسم مفعول از فعل‌های «كَتَبَ، نَصَرَ، حَمِدَ و فَتَحَ» می‌شود: مکتوب، منصور، محمود و مفتوح

● اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید از فعل مضارع ساخته می‌شود.

به جای حرف مضارع، میم مضموم «م» می‌آید و حرف پیش از آخر کسره می‌گیرد.

به چگونگی ساخت اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید دقت کنید.

يُشَاهِدُ ← مُشَاهِدٌ	يُرْسِلُ ← مُرْسِلٌ	يُعَلِّمُ ← مُعَلِّمٌ
يَنْتَظِرُ ← مُنْتَظِرٌ	يَتَعَادَلُ ← مُتَعَادِلٌ	يَتَقَدَّمُ ← مُتَقَدِّمٌ
يَسْتَخْرِجُ ← مُسْتَخْرِجٌ	يَنْقَطِعُ ← مُنْقَطِعٌ	

● اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید نیز از فعل مضارع ساخته می‌شود و از هر لحاظ مانند اسم فاعل است. غیر از این که حرف پیش از آخر آن فتحه است. مثال:

اسم مفعول	اسم فاعل	فعل ثلاثی مزید
مُنْتَظَرٌ	مُنْتَظِرٌ	يَنْتَظِرُ
مُقَدِّدٌ	مُقَدِّدٌ	يُقَدِّدُ
مُخْرَجٌ	مُخْرِجٌ	يُخْرِجُ

● به معنی اسم فاعل و اسم مفعول توجه کنید.

مُعْبُودٌ : پرستش شده	عَابِدٌ : پرستش کننده
مَكْتُوبٌ : نوشته شده	كَاتِبٌ : نویسنده
مَنْصُورٌ : یاری شده	نَاصِرٌ : یاری کننده
مُشَاهَدٌ : دیده شده	مُشَاهِدٌ : بیننده
مُرْسَلٌ : فرستاده شده	مُرْسِلٌ : فرستنده
مُقَدِّدٌ : تقلید شده	مُقَدِّدٌ : تقلید کننده

التدريب الأول

عَيِّن الجواب الصحيح :

١- أَمَرَ قَارُونَ بِدَفْعِ دِينَارٍ لِأَوْلَيْكَ الرِّجَالِ لـ ... .

- الف - تَحْقِيرِهِمْ  ج - تَخْوِيفِهِمْ
- ب - مُسَاعَدَتِهِمْ  د - تَبْشِيرِهِمْ

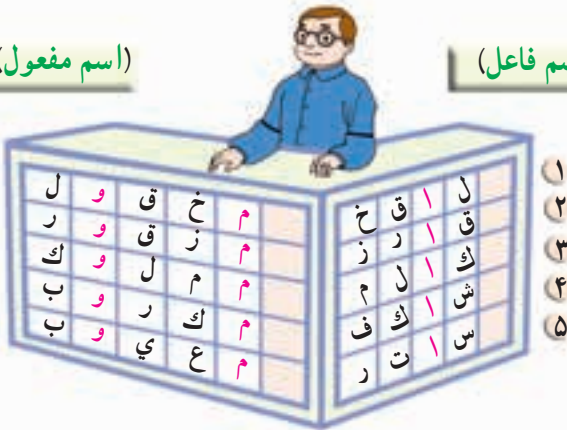
٢- قَارُونَ ... ، عِنْدَ نُزُولِ الْعَذَابِ .

- الف - سَاعَدَ الْفُقَرَاءَ  ج - قَصَدَ الرُّجُوعَ عَنِ كُفْرِهِ
- ب - مَا قَصَدَ مُسَاعَدَةَ الْفُقَرَاءِ  د - أَنْفَقَ أَمْوَالَهُ

التدريب الثاني

این حروف چین قصد دارد با استفاده از حروف اصلی پراکنده اسم فاعل و اسم مفعول در جاهای خالی قرار دهد، به او کمک کنید تا فrazهایی از دعای «جوشن کبیر» به دست آید :

(اسم مفعول)



(اسم فاعل)

يا صَانِعٌ \* كُلُّ مَصْنُوعٍ  
 يا ..... كُلُّ .....  
 يا ..... كُلُّ .....  
 يا ..... كُلُّ .....  
 يا ..... كُلُّ .....  
 يا ..... كُلُّ .....



### التمرین الثالث

این دو نفر از تابلوی افعال، اسم فاعل و اسم مفعول ساخته اند. پیش بینی کنید تابلوهای بعدی چگونه خواهد بود و یا تابلوهای ساخته شده، قبلاً چگونه بوده اند؟ معنی آنها را نیز بنویسید:

اسم مفعول		اسم فاعل	
ترجمه	ترجمه	فعل	
.....	.....	.....	شَاهَدَ
.....	.....	.....	اسْتَخْرَجَ
.....	.....	.....	إِعْتَمَدَ
.....	.....	مُبَشِّرٌ	.....
.....	.....	مُنْتَظَرٍ	.....

### التمرین الرابع

عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ: (=, ≠)

الرَّخِيسَ..... البَاهِظَ	الوَالِدَةَ..... الأُمَّ	شَاهَدَ..... رَأَى
مَنَحَ..... وَهَبَ	لَا أَدْرِي..... لَا أَعْلَمُ	الْبَيْعَ..... الشَّرَاءَ
بَعِيدٌ عَنِ..... قَرِيبٌ مِنْ	أَخْرَجَ..... أَدْخَلَ	وَرَاءَ..... خَلْفَ



«اسم فاعل» بر انجام دهنده یا دارنده حالتی بودن دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت فاعلی» است؛ مانند : ناصر : یاری کننده، مُنذِر : بیم دهنده  
صفت فاعلی در زبان فارسی دارای پسوندهایی از قبیل «نده، ا» است؛ مانند : بیم دهنده، دانا  
□ «اسم مفعول» بر «انجام شدن و یا واقع شدن» دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت مفعولی» است؛ مانند : منصور : یاری شده، مُحترَم : احترام شده  
در ترجمه اسم مفعول گاهی از مصدر «شدن» استفاده می کنیم؛ مانند : مُستضعف : ضعیف نگاه داشته شده

غلط های ترجمه های فارسی زیر را تصحیح کنید :

- ۱- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ..... الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّعْوِ مُعْرِضُونَ﴾  
مؤمنان محققاً رستگار شدند ..... کسانی که از بیهوده دور شده اند.
- ۲- مُشَاوَرَةُ الْمُسْفِقِ الْجَاهِلِ حَظْرٌ.  
مشورت کننده دلسوز نادان خطرناک است.
- ۳- ﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾  
رسولان را جز بشارت داده شده و بیم داده شده نمی فرستیم.
- ۴- الْعَقْلُ مُصْلِحٌ كُلِّ أَمْرٍ.  
عقل اصلاح شده هر کاری است.
- ۵- الْمُسْتَضْعَفُونَ هُمْ وَاِرثُونَ الْأَرْضَ.  
ضعیف کنندگان همان وارثان زمین هستند.

ترجمه تحت اللفظ در صورتی  
مقبول است که روان و گویا  
باشد.

کاستن و یا افزودن در ترجمه  
عبارت ها، (بدون ضرورت خاصی)  
به اصالت ترجمه خدشه وارد  
می کند.

الف : شما با کلمات زیر در متن درس آشنا شدید، اکنون هر یک از آن‌ها را با توجه به معنی آیات، در جای خالی مناسب قرار دهید :

المُرْسَلِينَ، المُكذِّبِينَ، مُبَشِّرِينَ، مُنذِرِينَ

(بقره/ ۲۱۳)

۱- ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ ..... و .....﴾

خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده برانگیخت.

(شعراء/ ۲۱)

۲- ﴿فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِّنَ .....﴾

[پروردگارم] به من دانش و حکمت بخشید و مرا از فرستاده‌شدگان قرار داد.

(نحل/ ۳۶)

۳- ﴿فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ .....﴾

بنابراین در زمین حرکت کنید و بنگرید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

ب : دو آیه زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید :

(أحزاب/ ۴۵)

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾

ای پیامبر، ما تو را شاهد و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم.

(کهف/ ۵۶)

﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾

و ما پیامبران را جز بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم.

سؤال : تفاوت میان «شاهدًا، مُبَشِّرًا» از لحاظ اشتقاق چیست؟

.....

شباهت میان «مُرْسَلِينَ، مُنذِرِينَ» از چه جهتی است؟

.....

ذَهَبَ الإمامُ عليٌّ «عليه السَّلَامُ» مَعَ خَادِمِهِ السَّابِّ إِلَى السُّوقِ.

سوقُ البَزَائِينِ\*

أَلْبِسَةُ\* مِنْ أَحْسَنِ الْأَنْوَاعِ.



هل عندكَ قَمِيصٌ\* لي و قَمِيصٌ لِخَادِمِي؟



لَمَّا\* عَلِمَ أميرُ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الْبَائِعَ قَدَعَرَفَهُ؛  
تَرَكَ الْمَكَانَ وَ ذَهَبَ إِلَى دُكَّانٍ آخَرَ.



نَعَمْ يَا أميرَ الْمُؤْمِنِينَ. تَفَضَّلْ. أَنَا فِي خِدْمَتِكَ.

أطلبُ ثوباً لي و ثوباً لخدامي.



تفضّل. أنا في خدمتك.

— هذا لك. والأزخص لي.

إتخَبَ الإمامُ قميصاً  
بثلاثةِ دراهمٍ وقميصاً  
أزخصاً\*.



— لا، أنت أولى\* به. أنت أمير المؤمنين.

— لا، أنت شابٌ و لك رغباتُ\* الشبابِ.

\*\*\*

بعدَ مُدَّةٍ

حَضَرَ الإمامُ (ع) لإقامةِ صلاةِ الجُمُعَةِ.



في أثناءِ الخطبةِ

— يا وادي، أنظرُ.  
أمير المؤمنين يسعُرُ\*  
بالحرِّ\* الشديدِ، هو  
يتروَّحُ\* بكُمه\*!



— لا، يا وادي، هو لا يتروَّحُ. بلُ

يُجفِّفُ\* قميصه. هو غسله\* قبلَ حضوره

للصلاةِ.



— عجيبٌ! أليس له قميصٌ آخر؟!

— لا تعجِب.

سأذكُرُ لك

قصةً بعدَ المغربِ.





بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ صَوَّرَ \* الْوَالِدُ الْمَشْهَدُ \* التَّالِيَّ لَهُ .

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

أَحَدُ الصَّحَابَةِ :

رَسُولُ اللَّهِ حَزِينٌ . مَاذَا نَعْمَلُ ؟

سَلْمَانَ :

أَنَا أَعْرِفُ مَاذَا أَعْمَلُ . هُوَ يَفْرَحُ بِزِيَارَةِ بِنْتِهِ  
فَاطِمَةَ .



فَدَهَبَ سَلْمَانُ إِلَى بَيْتِ فَاطِمَةَ (س) وَأَخْبَرَهَا .

فِي الطَّرِيقِ

لَمَّا شَاهَدَ سَلْمَانُ أَلْبَسَةَ فَاطِمَةَ (س) ، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ \* .

وَاحْزُنَاهُ ! إِنَّ بَنَاتِ قَيْصَرَ \* وَكِسْرَى \*  
لَفِي السُّنْدُسِ \* وَالْحَرِيرِ وَلِبَاسِ ابْنَةِ  
مُحَمَّدٍ هَكَذَا \* .



فَاطِمَةُ (س) :

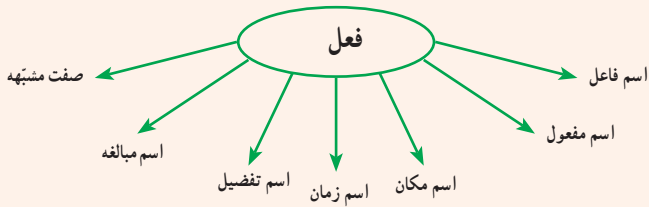
يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ أَلْبَسَتِي .

عِنْدَ النَّبِيِّ (ص)

بَعْدَ دَقَائِقَ

رَسُولُ اللَّهِ (ص) : يَا سَلْمَانُ ، إِنَّ ابْنَتِي لَفِي «الْخَيْلِ السَّوَابِقِ» \* .





از خود سؤال کنید:

۱- مشتقات به چند قسم تقسیم می شوند؟

۲- مشتقات از چه کلمه ای گرفته می شوند؟

۳- ملاک تشخیص جامد یا مشتق بودن کلمه کدام است؟

۴- «مشتق» در اصطلاح علم صرف در مورد کدام یک از اقسام کلمه صحبت می کند؟

۵- جامد و مشتق از لحاظ لغوی به چه معنی هستند؟

۶- دو قسم از انواع مشتقات را که تاکنون خوانده اید ذکر کنید.



به تصویر شماره ۱ و ۲ نگاه کنید.

زمان وارد شدن به خانه هنگام غروب خورشید است.

در تصویر شماره ۲ مادر در جایی مشغول آشپزی است.



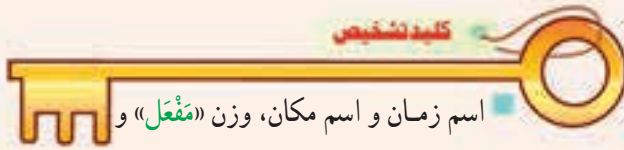
اسم های زمان و مکان نشان دهنده زمان وقوع و یا

مکان وقوع فعل است.

مطبخ: مکان طبخ  
مغرب: زمان غروب  
مشرق: زمان شروق و طلوع  
مسکن: محل سکونی و آرامش



\* اسم زمان و اسم مکان هر دو بر یک وزن می آید.



در بعضی موارد «مَفْعَل» است. مانند: مَطْبِخ، مَغْرِب

از خود سؤال کنید:



چند مثال از اسم های زمان و مکانی که در زبان فارسی نیز به کار می رود، ذکر کنید.

آیا با «صفت» در زبان فارسی آشنا هستید؟



آیا می دانید که یکی از انواع صفت در فارسی، صفت ساده است، مانند: خوب، شجاع؟

صفات ساده فارسی اغلب در زبان عربی همان صفت مشبَّه هستند.



مهم ترین وزن های صفت مشبَّه عبارتند از:

فَعِيل : شَرِيف  
فَعْل : صَعْب  
فَعْلان : عَطْشان

از خود سؤال کنید:



۱- آیا می توانید چند صفت ساده در زبان فارسی نام ببرید؟

۲- جواب صحیح کدام است؟

الفَرَح یعنی: شادی کردن ○ شادی می کند ○ شاد ○

آیا تا به حال دقت کرده اید که گاهی صفتی بیش از اندازه



معمول در کسی وجود دارد؛ مثل صبر و پایداری زیاد؟

به صاحبان شغل نگاه کنید: بَقال، عَطَّار، قَصَّاب، خَبَّاز و ...

آیا این افراد با شغل خود زیاد سر و کار ندارند؟

زیاد بودن یک صفت در انسان یا بسیار پرداختن بدان، دلیل بر «مبالغه» در آن صفت است.



اسم‌هایی که بر وزن **فَعَال** یا **فَعَالَة** می‌آیند، اسم **مبالغه** هستند. مانند :  
«عَفَّار»، «عَلَّامَة»

از خود سؤال کنید :



۱- فرق صفت **مشبّهه** و اسم **مبالغه** در چیست؟ آیا شباهتی هم با هم دارند؟

۲- آیا می‌توانید چند اسم **مبالغه** که در زبان فارسی به کار می‌رود، ذکر کنید؟

۳- جواب صحیح کدام است؟ «الأمارة» یعنی :

دستور  بسیار امرکننده  امر کرد

ترجمه دو صفت «کوچک» و «بزرگ» به عربی می‌شود «صغیر»

و «کبیر». اما ترجمه صفت‌های «کوچک‌تر، کوچک‌ترین» و

«بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین» در عربی چیست؟



اسم **تفضیل** در زبان عربی معمولاً بر وزن «أفْعَل» می‌آید : أَحْسَن، أَكْبَر

و در مؤنث گاهی بر وزن «فُعْلَى» : حُسْنَى، كُبْرَى

اسم **تفضیل** نمایانگر کمتر یا زیاده‌تر بودن صفتی در کسی یا چیزی نسبت به دیگری است.

از خود سؤال کنید



۱- آیا در زبان فارسی اسم **تفضیل** داریم؟ مثال بزنید.

۲- جواب صحیح کدام است : «أشجع» یعنی :

شجاع‌تر  بسیار شجاع  شجاعت نشان می‌دهد

در آیات و عبارات های زیر اسم های مشتق به شکل متضاد به کار رفته، آن ها را با ذکر نوع مشتق داخل دایره بنویسید :



- ۱- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا... بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾
- ۲- ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾
- ۳- لَوْ عَلِمَ \* النَّاقِصُ بِنَقْصِهِ لَكَانَ كَامِلًا.

عین نوع المشتق الذي أُشير إليه بخط و اكتبه في الجدول :

نوع	معنى

- ۱- ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ \* بِالسُّوءِ \*﴾
- ۲- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾
- ۳- ﴿... رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾
- ۴- ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ﴾

### الإغراب و التحليل الصرفي

هر «کلمه» را می توان از دو جهت مورد بررسی قرار داد :

**الف - ویژگی های فردی**

**ب - نقش آن در جمله**

به جمله «نَجَحَ الطَّالِبُ» دقت کنید :

چه ویژگی هایی را می توانیم برای «الطَّالِب» ذکر کنیم؟

آیا اسم است یا فعل، مفرد است یا مثنی یا جمع، مذکر است یا مؤنث؟

«الطالب» در جمله چه نقشی دارد؟

آیا فاعل است یا مبتدا یا مفعول، در نتیجه آیا مرفوع باید باشد یا منصوب یا مجرور؟

اکنون بدانیم که :

■ بررسی ویژگی های «فردی» هر کلمه - بدون در نظر گرفتن موقعیت آن در جمله - در زبان

فارسی «تجزیه» نام دارد و در عربی «التحليل الصرفي».

■ بررسی نقش هر کلمه – با توجه به موقعیت آن در جمله – در زبان فارسی «ترکیب» نام دارد و در عربی «الإعراب».

بنابراین بر طبق قواعدی که تا کنون خوانده ایم، برای هر یک از اقسام کلمه در «الإعراب و التحليل الصرفي» موارد ذیل را باید به ترتیب تشخیص دهیم:

**اسم:** مفرد یا مثنی یا جمع (عدد) – مذکر یا مؤنث (جنس) – مشتق یا جامد ...

و نقش و اعراب آن در جمله (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، جار و مجرور و ...)

**فعل:** ماضی یا مضارع یا امر – صیغه (غائب، مخاطب، متکلم) مجرد یا مزید ...

و نقش آن در جمله و اشاره به فاعل آن.

**حرف:** نوع آن و ...

در نتیجه با توجه به مطالب فوق «الإعراب و التحليل الصرفي» جمله «نَجَحَ الطَّالِبُ» چنین خواهد بود:

نَجَحَ: فعلٌ ماضٍ، للغائب، مجرد ثلاثي / فعلٌ و فاعلُهُ «الطالب» و الجملة فعلية

الطالب: اسمٌ، مفردٌ، مذکر، مشتقٌ و اسمٌ فاعل / فاعلٌ و مرفوعٌ

### تمرین الثالث

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:  
رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا صَالِحًا.

رَزَقَ:

الف – فعلٌ ماضٍ، للغائبة، مزید ثلاثي.

ب – فعلٌ ماضٍ، للغائب، مجرد ثلاثي.

ج – فعلٌ مضارع، للمخاطب، مزید ثلاثي.

صالح:

الف – اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم مفعول).

ب – اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم فاعل).

ج – اسم، مثنی، مؤنث، مشتق (اسم مکان).

۱- لِلْغَائِبِ أَيْ لِلْمَفْرَدِ الْمَذْكَرِ الْغَائِبِ



□ در ترجمه اسم‌های مبالغه معمولاً از قید «بسیار» استفاده می‌کنیم؛ مانند: غَفَّار: بسیار آمرزنده  
 □ گاهی میان اسم‌های تفضیل از لحاظ ظاهری با فعل ماضی باب افعال مشابهت ایجاد می‌شود، توجه به مفهوم عبارت راهگشای مسأله است. مثال:

هو أَحْسَنُ إِلَىٰ أُصْدِقَائِهِ. او به دوستانش خوبی کرد.  
 شاهدنا أَحْسَنَ الطُّلَّابِ. بهترین دانش‌آموزان را دیدیم.

□ اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِن» بیاید، به صورت صفت تفضیلی ترجمه می‌شود:  
 أحسن من ... : نیکوتر از ...

و اگر همراه «مِن» نیاید، معمولاً به صورت صفت عالی ترجمه می‌شود: أَحْسَنُ كِتَابٍ: بهترین کتاب  
 ترجمه زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

### أَفْضَلُ إِنْسَانٍ : (برترین انسان)

دَخَلَ وَفْدٌ مِنَ التُّجَّارِ فِي مَجْلِسِ أَمِيرٍ. بَدَأَ فَتَىٰ ذِكْمِي بِالْكَلَامِ نِبَاءَةً عَنِ قَوْمِهِ. فَأَشَارَ إِلَيْهِ الْأَمِيرُ: أَلَيْسَ فِي الْمَجْلِسِ أَكْبَرُ مِنْكَ؟!

هیأتی از بازرگانان وارد مجلس امیری می‌شود جوانی باهوش به جانشینی از سوی مردم خودش صحبت کرد. امیر به او اشاره کرد: آیا در مجلس بزرگ‌تر از تو هست؟

عِنْدَئِدْ قَالَ الْفَتَى «الْعَلَامَةُ» بِشَهَامَةِ: أَيُّهَا الْأَمِيرُ، قِيمَةُ الْإِنْسَانِ بِعَقْلِهِ وَ لِسَانِهِ.

در این هنگام جوان دانا با شهامت گفت: ای امیر، ارزش انسان به خرد و گفتار اوست.

حِينَمَا رَزَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ عَقْلاً كَامِلاً وَ لِسَاناً فَصِيحاً فَلَهُ فَضِيلَتَانِ.

هنگامی که خداوند به انسان خردی کامل و زبانی شیوا روزی خواهد داد پس برایش چند فضیلت هست.

لَوْ كَانَتْ قِيمَةُ الْإِنْسَانِ بِسِنِّهِ؛ لَكَانَ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ مَنْ هُوَ أَحَقُّ مِنْكَ بِالْحُكْمِ.

اگر ارزش انسان به سن باشد؛ حتماً در آن مجلس کسی هست که از شما در حکومت تواناتر است.

عِنْدَئِدْ سَكَتَ الْأَمِيرُ وَ عَجَزَ عَنِ جَوَابِ الْفَتَى الصَّغِيرِ.

در این هنگام امیر شگفت‌زده شد و از پاسخ جوان کوچک برآشفست.

الف : در متن درس با کلمه «أَعْلَمَ» آشنا شدید، اکنون دیگر مشتقات از این ریشه را در آیات زیر مشخص کنید و نوع و ترجمه آن را در مستطیل‌ها بنویسید :

ترجمه	نوع	
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (فاطر/ ۳۸)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۲- ﴿إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (مائدة/ ۱۰۹)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۳- ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (مَعَارِج/ ۲۴)

ب : پس از خواندن آیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید :

﴿وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ (النساء/ ۱۲۵) ﴿وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام/ ۱۰۳)

معنی کلمه‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟

- خلیل :  دوست بودن  دوست  دوستی انتخاب می‌کند  
 لطیف :  مهربانی کرد  مهربانی  مهربان  
 خبیر :  آگاه  آگاه کردن  آگاه‌تر

«القرآن»

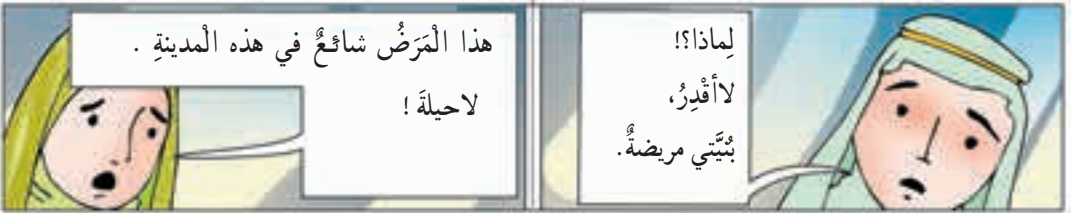
تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ. وَتَفَقَّهُوا<sup>۱</sup> فِيهِ فَإِنَّهُ رِبْعُ الْقُلُوبِ. أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ<sup>۲</sup> الْقَصَصِ ...  
 ..... «الخطبة ۱۱۰»

تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ وَعَيِّنْ نَوْعَ الْمُسْتَقَاتِ الْمُشَارِ إِلَيْهَا بِخَطِّ :

۲- أَنْفَعُ : سودمندترین

۱- تَفَقَّهُوا : بفهمید و درک کنید



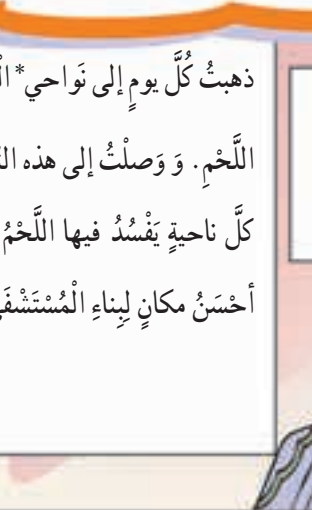








وَبَعْدَ أَيَّامٍ عَيَّنَ الرَّازِيُّ أَحْسَنَ مَكَانٍ لِإِنْبَاءِ الْمُسْتَشْفَى.



ضمير کلمه‌ای است که به جای اسم می‌آید و از تکرار آن جلوگیری می‌کند.

«ضمير» معمولاً جانشين  
«اسم» می‌شود.

ض م ي ر

### نام‌گذاری

در زبان عربی به اسم‌هایی مانند «هو»، «أنتما»، «نحن» و یا «ت» در «قَرَأْتُ» ضمير می‌گوییم.  
«ضمایر» یا به صورت مستقل در جمله به کار می‌روند و یا همراه کلمه‌ای دیگر می‌آیند.

### بنابراین

ضمایر یا «منفصل» اند و یا «متصل».

### ضمایر منفصل مرفوع

دانستیم که :

تصویر	مغادل فارسی	ضمير	تصویر	مغادل فارسی	ضمير
	تو	أَنْتَ		او	هُوَ
	تو	أَنْتِ		او	هِيَ
	شما	أَنْتُمَا		آن دو	هُمَا
	شما	أَنْتُمْ		آن‌ها	هُم
	شما	أَنْتُنَّ		آن‌ها	هُنَّ
<b>متكلم</b>					
	ما	نَحْنُ		من	أَنَا

ضمایر فوق همگی جزء ضمایر منفصل هستند.

تصویر	ضمیر فارسی	معادل
	اِیَّاهُ	اورا
	إِیَّاكَ	تورا
	إِیَّاكُمْ	شمارا
	إِیَّایَ	مرا

حالا بدانیم که :

غایب

مخاطب

مخاطب

متکلم

ضمایر فوق نیز تعدادی دیگر از **ضمایر منفصل** به شمار می آیند. (ضمیر منفصل منصوب)

إِیَّاهُ، إِيَّاهُمَا، إِيَّاهُمْ، إِيَّاهَا، إِيَّاهُمَا، إِيَّاهُنَّ،  
 إِيَّاكَ، إِيَّاكُمَا، إِيَّاكُمْ، إِيَّاكِ، إِيَّاكُمَا، إِيَّاكُنَّ،  
 إِيَّایَ، إِيَّانَا



حال به فعل های زیر توجه کنید:

امر	مضارع	ماضی
	يَكْتُبُ	كَتَبَ
	يَكْتُبَانِ	كَتَبَا
	يَكْتُبُونَ	كَتَبُوا
	تَكْتُبُ	كَتَبْتَ
	تَكْتُبَانِ	كَتَبْتَا
	يَكْتُبْنَ	كَتَبْنَ
أَكْتُبُ	تَكْتُبِ	كَتَبْتِ
أَكْتُبَا	تَكْتُبَانِ	كَتَبْتُمَا
أَكْتُبُوا	تَكْتُبُونَ	كَتَبْتُمْ
أَكْتُبِي	تَكْتُبِينَ	كَتَبْتِ
أَكْتُبَا	تَكْتُبَانِ	كَتَبْتُمَا
أَكْتُبْنَ	تَكْتُبْنَ	كَتَبْنَ
	أَكْتُبْ	كَتَبْتُ
	نَكْتُبْ	كَتَبْنَا

حروف قرمز رنگ در جدول بالا، ضمیر متصل فاعلی نامیده می شوند.

نکته ۱: در «كَتَبْتُ» ضمیر متصل فاعلی وجود ندارد. علامت «ت» نشانه مؤنث است.

نکته ۲: در «كَتَبْتَا» الف ضمیر متصل فاعلی است و علامت «ت» نشانه مؤنث است.

نکته ۳: در فعل هایی که حروف قرمز رنگ به کار نرفته است؛ ضمیر متصل فاعلی وجود ندارد.

در اینجا اصطلاحاً می گوئیم ضمیر مستتر وجود دارد. (در درس نهم با ضمیر مستتر به صورت کامل آشنا خواهید شد.)

«ضمیر»، گاه به صورت «بارز» همراه فعل

می آید و گاه به صورت «مستتر»

حال به تابلوی روبه‌رو نگاه کنیم :

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ ✓  
 رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا ✓  
 فَأَغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ ✓  
 وَاظْمَلُوا... ✓

به ضمایر «کُم»، «نا» دقت کنیم.

این ضمایر همراه کدام یک از اقسام کلمه آمده‌اند؟

به خاطر بسپاریم که :



گروه دوم از ضمایر متصل، ضمایری هستند که به هر سه قسم کلمه (اسم، فعل، حرف) متصل می‌شوند. این گروه ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه نامیده می‌شوند.



هنگام اتصال فعل به ضمیر «ی»، حرف «ن» (نون وقایه) میان آن دو آورده می‌شود.

نَصَرَ + ي ← نَصَرَنِي

به ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه در جدول زیر توجه کنید :

ضمیر	معادل فارسی	ضمیر	معادل فارسی
هُ	ش - او را <small>(متصل به اسم) (متصل به فعل)</small>	كَ	ت - تو را
هَا	ش - او را <small>(متصل به اسم) (متصل به فعل)</small>	كَ	ت - تو را
هُمَا	شان - ایشان را	كُما	تان - شما را
هُم	شان - ایشان را	كُم	تان - شما را
هُنَّ	شان - ایشان را	كُنَّ	تان - شما را

«هُمَا»، «هُم»، «هُنَّ» هم در ضمایر منفصل وجود دارند و هم متصل. هُم طُلَّابٌ. هَذَا عَمَلُهُمْ.

«نا» در ضمیر متصل فاعلی و ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه وجود دارد. معیار تشخیص کدام است؟

ي	م - مرا
نا	مان - ما را

## تمارين

### التدريب الأول

أكمل الفراغ:

هُم شَكَرُوا رَبَّهُمْ.  
هَئِن شَكَرْتُمْ رَبَّهُمْ.

هُمَا شَكَرَا رَبَّهُمَا.  
هُمَا شَكَرْتَا رَبَّهُمَا.

هُوَ شَكَرَ رَبَّهُ.  
هِيَ شَكَرَتْ رَبَّهَا.

..... رَبَّكُمْ.  
أَتَنْتَنَ ..... رَبِّي.

..... تَشْكُرَانِ رَبِّي.  
أَتُنْمَا ..... رَبِّي.

أَنْتَ تَشْكُرُ رَبِّي .....  
..... تَشْكُرِينَ رَبِّي.

..... رَبِّي .....  
..... رَبِّي .....

.....  
أَشْكُرَا رَبَّكُمَا.

أَشْكُرُ رَبَّكَ .....  
..... رَبِّي .....

### التدريب الثاني

أكمل الفراغ:

هو	ناجِحٌ.	هُمَا	.....	ناجِحُونَ.
هي	ناجِحَةٌ.	هُمَا	ناجِحَتَانِ.	.....
هو	مُجْتَهِدٌ.	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....	.....

### التدريب الثالث

صحّح الأخطاء في ترجمة العبارات التالية:

١- هُمْ مشغولونَ بمطالعةِ دروسِهِمْ و نَحْنُ نُنْفَكِّرُ فِي الإِمْتِحَانِ.

ما سرگرم مطالعه درس هایمان هستیم و آنها به امتحان فکر می کنند.

٢- أَنْتُمْ تَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لِأَنَّهَا لُغَةُ الْقُرْآنِ.

آنها زبان عربی را فرا می گیرند، چون زبان قرآن است.

٣- ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾

امروز دین را برای شما کامل کردم، و نعمت را بر شما تمام کردم.

### التدريب الرابع

أكتب الكلمات التالية مع ضمير «الياء»:

عَلَّمَ ..... مَعَلَّمَ ..... يَنْصُرُ ..... بِ ..... أَكْرَمَ ..... قَلَّمَ .....





□ «ضمیر» یکی از اجزای اصلی جمله است. در تشخیص انواع ضمیر و ترجمه صحیح هریک، دقت کنیم.

□ در تشخیص مرجع ضمائر غایب بسیار دقت کنیم.

اشکالات ترجمه متن زیر را اصلاح کنید.

### الْخُلُقُ الْحَسَنُ

لَمَّا قَرَّبَ النَّبِيُّ (ص) مِنَ الْمَدِينَةِ؛ أَخَذَ النَّاسُ زِمَامَ النَّاقَةِ. فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): أَيُّهَا النَّاسُ، أُتْرِكُوا النَّاقَةَ فَهِيَ مَأْمُورَةٌ، فَعَلَى بَابِ دَارٍ مَنْ وَقَفَتْ فَأَنَا عِنْدَهُ.

### خلق نیکو

وقتی که پیامبر (ص) از مدینه دور شد، مردم افسار شتر را گرفتند. پیامبر (ص) گفت: ای مردم، شتر را ترک نکنید زیرا مأمور است. بر در خانه هر که نشست من نزد او هستم.

فَهُمْ تَرَكُوا زِمَامَهَا وَهِيَ ذَهَبَتْ فِي مَسِيرِهَا. بَعْدَ سَاعَةٍ دَخَلَتِ الْمَدِينَةَ فَوَقَفَتْ عَلَى دَارِ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَهُوَ كَانَ أَفْقَرَ النَّاسِ فِي الْمَدِينَةِ.

ایشان افسارش را رها کردند و شتر به راه خودش رفت و بر در مغازه ای ایوب انصاری ایستاد و او از مردم فقیر مدینه بود.

تَحَسَّرَ النَّاسُ وَانْقَطَعَتْ أَمَالُهُمْ.

مردم حیرت کردند و آرزویشان قطع شد. (بر باد رفت)

## الف

نوع ضمایر مشخص شده در آیات زیر را تعیین کنید، سپس ترجمه آیات را کامل نمایید.

(حمد / ۴)

۱- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

تنها ..... را می پرستیم و تنها از ..... یاری می جویم.

(یوسف / ۳)

۲- ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾

..... نیکوترین سرگذشت را بر ..... حکایت می کنیم.

(بقره / ۲۱)

۳- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾

ای مردم، پروردگار ..... را که ..... را آفریده است، پرستش کنید.

## ب

کدام آیه درباره مفهوم زیر سخن می گوید؟

«گوش فرا دادن به قرآن هنگام تلاوت این کتاب آسمانی»

(أعراف / ۲۰۴)

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

(إسراء / ۹)

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾

(طه / ۲)

﴿مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾

\*\*\*



– رَبَّنَا إِنَّا أَفْقَاءٌ \* لِمَا \* تَنْزِلُ إِلَيْنَا مِنْ خَيْرٍ .

– فَأَمَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ بِالْهَجْرَةِ .

﴿إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ، فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ﴾

– فِي الْحَبَشَةِ حَاكِمٌ عَادِلٌ وَ مُوَحَّدٌ \* .

رُؤَسَاءُ قَرِيشٍ

– الَّذِينَ هَاجَرُوا إِلَى الْحَبَشَةِ سَوْفَ يَخْلُقُونَ  
لَنَا الْمَشْكَلاتِ .

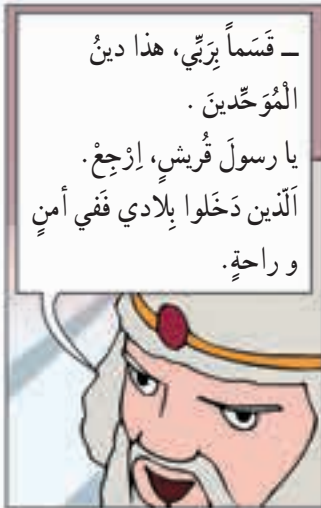
– أَنْتُمْ صَامِتُونَ \* . هَذَا عَجِيبٌ !

– طَيِّبٌ . التَّطْمِيعُ \* مِنْ عَادَتِنَا .

– فَسَمَّا بِاللَّاتِ \* وَالْعَزَّى \* سَنُرْجِعُ مَنْ هَاجَرَ وَ نُعِدُّهُ .

– نَبَعْتُ رَسُولًا مَعَ هَدَايَا إِلَى  
حَاكِمِ الْحَبَشَةِ وَ نَطَلُبُ مِنْهُمْ  
تَسْلِيمَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى هُنَاكَ .







در زبان عربی کلماتی وجود دارند که موجب ارتباط میان اجزای جمله می شوند.

حال از خود سؤال کنید :

در جمله «دانش آموزی موفق می شود که تلاش می کند»، عامل ارتباط میان دو جزء جمله کدام است؟

آیا می توانید در جمله «فَهَمَّتْ الدَّرْسَ الَّذِي دَرَّسَهُ المَعْلَمُ» ربط دهنده دو جمله را تشخیص دهید؟

آیا می توانید بگویید که الّذِي جزء کدام یک از اقسام کلمه است؟



به این دو جمله نگاه کنیم :

التَّلَامِيذُ يَجْتَهِدُونَ فِي الدَّرْسِ. التَّلَامِيذُ يَنْجَحُونَ فِي الْحَيَاةِ.

برای ارتباط میان این دو جمله چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

الَّذِينَ يَجْتَهِدُونَ فِي الدَّرْسِ، يَنْجَحُونَ فِي الْحَيَاةِ.

به معنی الّذِي در دو جمله زیر توجه کنید.

الإنسانُ الَّذِي يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ.

الَّذِي يَجْتَهِدُ فَهُوَ يَنْجَحُ.

که

کسی که



## نام گذاری

کلماتی مانند «الَّذِي»، «الَّتِي»، «الَّذِينَ» و «الَّذِينَ» در زبان عربی «اسم موصول» نام دارند.

معدّل	مؤنث	مذكر	
که، کسی که، چیزی که	الَّتِي	الَّذِي	مفرد
کسانی که	الَّذِينَ	الَّذِينَ	جمع

### کاربرد

موصول در عربی برحسب ماقبل خود تغییر می کند؛ مانند:

– الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَعْمَلُ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحُ.

– الْمُؤْمِنَةُ الَّتِي تَعْمَلُ الصَّالِحَاتِ تَنْجَحُ.

– الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحُونَ.

– الْمُؤْمِنَاتُ اللَّاتِي يَعْمَلْنَ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحْنَ.

حال از خود سؤال کنید:

جاهای خالی را با کلمه مناسب پر کنید:

– اسم موصول «.....» برای کلمه‌ای که مفرد مذکر باشد، استفاده می شود.

– اسم های موصول عبارتند از: ....., ....., .....

– موصول «الَّذِينَ» برای اسم های ..... استفاده می شود.



نوع دوم به این دو عبارت توجه کنیم: عَلَّمُ مَنْ لَا يَعْلَمُ. إِعْمَلْ بِمَا تَعَلَّمْتَ.

– آیا کلمه های «مَنْ» و «مَا» در جمله های بالا برای سؤالی کردن هستند؟

– آیا کلمه «مَا» برای منفی کردن آمده است؟

و یا آن که ...؟

«مَنْ» و «مَا» نیز گاهی به عنوان «اسم موصول» در جمله به کار می روند.

## کاربرد

«مَنْ» به معنی کسی که، کسانی که

«ما» به معنی چیزی که، چیزهایی که، آنچه

### نام گذاری

به اسم های موصول «مَنْ» و «ما»، «مشترک» می گوئیم و بقیه موصولات را «خاص» می گوئیم.

حال از خود سؤال کنید :

دو کاربرد برای اسم های موصول :

۱- آغاز جمله

۲- داخل جمله

– آیا اسم های موصول «مَنْ» و «ما» برای مذکر و مؤنث به

صورت یکسان به کار می رود؟

– چرا به اسم های موصول «مَنْ» و «ما» مشترک گفته می شود؟

– مجموعاً چند کلمه به عنوان اسم موصول می شناسید؟

نام ببرید.

متناسب با کاربرد، معنی نیز تغییر می کند.

تا کنون با چند نوع «ما» و «مَنْ» در عبارت ها آشنا شده ایم؟



إجعل في الفراغ الموصول المناسب :

- اللاتي ، ما ، التي ، من ، الذين
- ١- الطالبة المجتهدة هي ..... تنجح في درسها.
  - ٢- الأمهات هن ..... تعين من أجلنا\*.
  - ٣- أنفق بـ ..... عندك في سبيل الله.
  - ٤- احترم ..... هو أصغر منك.
  - ٥- ..... يعملون الصالحات فلهم أجر عظيم.

أكمل الفراغ وفق النموذج :

- المؤمن هو الذي يتوكل على الله في الحياة.
- المؤمنة .....
- المؤمنون .....
- المؤمنات .....

## التحليل الثالث

عَيِّن الصَّحِيحَ فِي تَرْجِمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

١- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾

- سپاس خدای را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست.
- سپاس خدای را که آسمان ها و آن که در زمین است، از آن اوست.

٢- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

- به تحقیق مؤمنانی که در نمازشان فروتنند، رستگار شدند.
- رستگار شدگان همان فروتنان در نمازند.

٣- الْعَاجِزُ مَنْ عَجَزَ عَنْ اِكْتِسَابِ الثَّوَابِ.

- ناتوان کسی است که از به دست آوردن ثواب عاجز باشد.
- ناتوان از به دست آوردن ثواب عاجز است.

## التحليل الرابع

عَيِّن الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾

- اسم، ضمير منفصل، لِلْغَائِبِ **(الف) هو :**
- ضمير متصل، لِلْغَائِبَةِ
- اسم، موصول عام، ضمير منفصل **(ب) الَّذِي :**
- اسم، موصول خاص، للمفرد المذكر
- فعلٌ ماضٍ، لِلْغَائِبِ، مزيد ثلاثي **(ج) أَرْسَلَ :**
- فعلٌ مضارع، لِلْمَخَاطَبِ، مجرد ثلاثي
- حرف، ضمير متصل للرفع **(د) هُ :**
- اسم، ضمير متصل للنصب أو الجرّ



□ کلماتی مانند «الَّذِي» و «الَّتِي» هر گاه پس از اسم دارای «ال» بیایند، به معنی «که» خواهند بود؛ مانند :

ذَهَبْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ الَّذِي قُرْبَ مَدْرَسَتِنَا.

□ دقت کنیم که «ما» با توجه به آن چه که تاکنون خوانده‌ایم، گاهی حرف نفی است و گاه اسم استفهام و گاه موصول. به کمک قرائن موجود در جمله، باید هر یک را از دیگری تمییز داد.

مثال :

– ما هَذَا؟ هَذَا حُرُوفٌ.

– ما نَطَلَبُ مِنْكُمْ هُوَ تَسْلِيمُهُمْ إِلَيْنَا.

– هُوَ مَا سَمَّحَ لَنَا.

ترجمه متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

### نَبِيُّ الرَّحْمَةِ

إِنَّ يَهُودِيًّا طَلَبَ دِينَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَلَكِنَّ النَّبِيَّ (ص) مَا كَانَ عِنْدَهُ مَا يَدْفَعُ دِينَهُ.

#### پیامبر مهربانی

یک یهودی طلب خود را از فرستاده خدا (ص) درخواست می‌کند. اما پیامبر (ص) پول کم داشت تا طلبش را بپردازد.

فَقَالَ لِلْيَهُودِيِّ: «الآن ما عندي شيء». فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: «فأنا لا أسمعُ بِخُرُوجِكَ مِنَ الْمَسْجِدِ.

پس به یهودی گفت : اکنون کم دارم و یهودی گفت : پس من اجازه خارج شدن از مسجد را به تو نخواهم داد.

فَتَبَسَّمَ النَّبِيُّ (ص) وَقَالَ: «أَجْلِسْ مَعَكَ وَلَا أَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ.

پس پیامبر (ص) خندید و گفت : همراهت می‌آیم و از مسجد بیرون نمی‌روم.

أَصْحَابُ النَّبِيِّ (ص) الَّذِينَ شَاهَدُوا هَذَا الْمَنْظَرَ غَضِبُوا وَهَدَّدُوا الْيَهُودِيَّ.

یاران پیامبر (ص) که این صحنه را مشاهده می‌کنند خشمگین می‌شوند و آن یهودی را تهدید می‌کنند.

فَنظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَيْهِمْ وَقَالَ: «مَاذَا تَفْعَلُونَ؟! إِنَّ اللَّهَ مَا بَعَثَ رَسُولَهُ لِيُظْلَمَ عَلَى النَّاسِ.

فرستاده خدا (ص) به ایشان فرمان داد و گفت : چه کار کردید؟! قطعاً خدا فرستاده‌اش را برای ستم به مردم

نمی‌فرستد.

سَمِعَ الْيَهُودِيُّ كَلَامَ النَّبِيِّ (ص) وَقَالَ: «أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَا مَا فَعَلْتُ الْعَمَلَ الَّذِي عَمِلْتَهُ إِلَّا لِاطْمِئْنَانِ نَفْسِي.

آن یهودی سخن پیامبر (ص) را پذیرفت و گفت : شهادت دادم که تو فرستاده خدایی و این کاری را که من انجام

دادم تنها به خاطر اطمینان خود شما بود.

لِأَنِّي قَرَأْتُ فِي التَّوْرَةِ: «إِنَّ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ [لِلتَّبُوعَةِ] لَيْسَ غَلِيظًا وَلَا ظَالِمًا وَلَا... فَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ.

زیرا در تورات خوانده‌اند : قطعاً کسی که از مکه [برای رهبری] خارج می‌شود نه درشت‌خوی است و نه ستم‌دیده

و نه ... پس سلام بر تو ای پیامبر مهربانی.

## الف

با توجه به معنی آیات جای خالی را از کلمات داده شده پر کنید :

﴿..... يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

کسانی که طلا و نقره را می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، پس به آنها عذاب دردناکی را مرده ده.

الَّذِي □                      الَّذِينَ □                      أَلْتِي □

﴿سُبْحٰنَ لَهٗ... فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ﴾

هر آن که در آسمان ها و زمین است او را می ستاید.

مَنْ □                      أَلْتِي □                      الَّذِي □

## ب

در کدام آیه بر هدایتگری قرآن تأکید شده است؟

- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾
- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾
- ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾

\*\*\*

برای صحبت کردن به زبان قرآن :

- ۱- سعی کنیم جملات ساده از قبیل سلام و احوال پرسی و خداحافظی و ... را به عربی یاد بگیریم.
- ۲- عبارتهایی را از متن و تمرین ها انتخاب و حفظ کنیم.
- ۳- اشعار و ضرب المثل ها و جملات حکمی را حفظ کنیم.
- ۴- با گوش دادن به مطالب رادیو عربی سعی کنیم گوش خود را به شنیدن جملات عربی عادت دهیم.
- ۵- در گفتگوی با دوستانمان سعی کنیم بعضی از جملات را به عربی بیان کنیم.
- ۶- مُلَمَّعِ سخن گفتن (ترکیب جمله های فارسی و عربی) قدمی در راه یادگیری است.

آیا می خواهیم مطالب خود را به زبان عربی بیان کنیم؟

آیا می دانیم بیان مطالب به یک زبان قوه درک ما را از متون آن زبان دو چندان می کند؟

آیا می دانیم مشکل اساسی ما در صحبت کردن به زبان قرآن ندانستن واژه نیست، بلکه عدم آشنایی با کیفیت جمله سازی است؟

آیا می دانیم علاوه بر هزارها واژه عربی که در فارسی به کار می رود، تاکنون بیش از هزار واژه جدید عربی خوانده ایم؟!



# تَوْبَةُ الشَّعْلَبِ

الدرس الثامن



بَرَزَ\* التَّعْلَبُ يَوْمًا فِي شِعَارِ النَّاصِحِينَ

فَمَشَى\* فِي الْأَرْضِ يَنْصَحُ وَ يَسُبُّ\* الْمَاكِرِينَ\*



و يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ ... هِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ

يَا عِبَادَ اللَّهِ تَوْبُوا فَهَوْكَهْفُ\* التَّائِبِينَ

وَ أَطْلُبُوا الدِّيكَ\* يُؤَدِّئُ لِصَلَاةِ الصُّبْحِ فِينَا



فَذَهَبُوا إِلَى الدِّيكِ، فَقَالَ:

بَلَّغُوا\* التَّعْلَبَ عَنِّي\* عَن جُدودي\* الصَّالِحِينَ

عَن ذَوِي التَّبَجَانِ مِمَّنْ دَخَلُوا الْبَطْنَ\* اللَّعِينَا

إِنَّهُمْ قَالُوا وَ حَيَّرُوا... قَوْلِ قَوْلِ الْعَارِفِينَ:

مُحْطِي\* مَنْ ظَنَّ\* يَوْمًا أَنَّ لِلتَّعْلَبِ دِينَا

أحمد شوقي (بتصرف)



در تابلوی زیر به کلمه «کتاب» و حرکت آن توجه کنیم :

﴿ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ﴾  
 ﴿وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ﴾  
 ﴿مَا فَتَرَطْنَا فِي الْكِتٰبِ مِنْ شَيْءٍ﴾

### تعمیر

برخی کلمات در زبان عربی با تغییر موقعیت در جمله، حرکت حرف آخرشان تغییر می کند و تعدادی نیز در همه موقعیت ها، حرکت حرف آخرشان ثابت می ماند.

### نام گذاری

به کلماتی که حرکت حرف آخر آن ها با تغییر موقعیت تغییر کند، «مُعَرَّب» گویند.  
 به کلماتی که حرکت حرف آخر آن ها در هر موقعیتی ثابت بماند، «مَبْنِي» گویند.

از خود سؤال کنید :



حرکت کدام حرف معیار تشخیص معرب و مبني است؟

به نظر شما مشتقاتی که تاکنون خوانده ایم جزء کلمات معرب هستند یا مبني؟

## مصطلحات

آیا با حرکت های «ضمّه»، «فتحه»، «کسره» و نیز «سکون» آشنا هستیم؟  
آیا تفاوت حرکت آخر کلماتی مانند: «نَحْنُ»، «هُوَ»، «هُؤُلَاءِ» و نیز «أَكْتُبُ» را تشخیص می دهیم؟

کلمات مبنی را بر اساس حرکت آخر آن ها (حرکت حرف لام الفعل) چنین می نامیم:  
مبنی بر فتح (هُوَ) مبنی بر ضم (نَحْنُ) مبنی بر کسر (هُؤُلَاءِ) مبنی بر سکون (أَكْتُبُ)

## اما

برای نام گذاری حرکات در آخر کلمات «معرب» از اصطلاحات دیگری استفاده می کنیم.



اعراب آخر کلمات معرب دارای چهار حالت است.

و علامت آن **ضمّه** است؛ مانند: الحسنة، حسنة

و علامت آن **فتحه** است؛ مانند: الصادق، صادقاً

و علامت آن **کسره** است؛ مانند: الاجتهاد، اجتهاد

و علامت آن **سکون** است؛ مانند: لا تكذب

رفع

نصب

جر

جزم

در زبان فارسی نیز گاهی حرکت حرف آخر کلمه تغییر می کند.  
به حرکت کلمه «گل» در ترکیب «گل سرخ» دقت کنید.

کلمات معرب را بر اساس حرکت آخر آن ها چنین می نامیم:  
مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم.

## کلمات معرب و مبني

ضمير، اسم اشاره، موصول، استفهام	مبني	اسم
بيشتر اسمها (به جز اسم هاي مبني)	معرب	
ماضي، امر	مبني	فعل
مضارع	معرب	
تمام حروف	مبني	حرف



در فعل مضارع دو صيغه جمع مؤنث نیز مبني است.

از خود سؤال کنید:

کلمات زبان عربي بيشرت معربند يا مبني؟

براي کدام يک از کلمات انتظار تغيير حرکت حرف آخر را نداريد؟

آيا مي دانيد چرا يادگيري بحث معرب و مبني مهم است؟

کلمات مبني که به الف ختم مي شوند؛ مانند:   
عَلِي، اِلَى، حَتَّى ...   
مبني بر سکون هستند.

کلمات مبني که به «ياء» ساکن ختم شوند، مانند:   
فِي، الَّذِي، اَلَّذِي ...   
مبني بر سکون هستند.



اجعل الكلمات التي تحتها خط في مكان مناسب من الجدول :

(الف) :

١- أَلْعَاقِلُ مِنْ وَعَظْتُهُ\* التَّجَارِبُ.

٢- هل يَنْجَحُ الَّذِينَ لَا يَدْرُسُونَ؟

٣- هم وَجَدُوا طَرِيقَةً لِحَلِّ هَذِهِ الْمَشْكِلَةِ.

٤- نحن دَرَسْنَا وَنَجَحْنَا فِي الْإِمْتِحَانِ.

المبني				
على الضم	على الفتح	على الكسر	على الشكون	
				الاسم
				الفعل
				الحرف

(ب) :

١- وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا.

٢- لَا تَتَكَاثَلْ فَإِنَّ طَرِيقَ الْعِرْ صَعْبٌ.

٣- هل يَعْتمِدُ\* الْعَاقِلُ عَلَى الْجَاهِلِ؟

المعرب				
المرفوع	المنصوب	المجرور	المجزوم	
			-	الاسم
		-		الفعل

## التحریر الثانی

صِلْ كُلَّ كَلِمَةٍ فِي الْعُمُودِ الْأَوَّلِ بِمَا يُنَاسِبُهَا مِنَ الْعُمُودِ الثَّانِي:

موصولٌ خاصٌّ و مبنیٌّ علی السُّکونِ.	کَيْفَ
فعلٌ مضارعٌ مرفوعٌ و معربٌ.	أُذْرُسُ
ضميرٌ منفصلٌ مرفوعٌ و مبنیٌّ علی الفَتْحِ.	هؤلاءِ
اسمٌ استفهامٌ و مبنیٌّ علی الفَتْحِ.	هي
فعلٌ أمرٌ و مبنیٌّ علی السُّکونِ.	الَّذِي
اسمٌ إشارةٌ و مبنیٌّ علی الكَسْرِ.	يَعْلَمُ

## التحریر الثالث

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ١- ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾  
 آنان کسانی اند که راست گفتند و آنان همان پرهیزگارانند.  
 اینان که راست می گویند؛ همان پرهیزگارانند.
- ٢- ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾  
 پس بر آنچه می گویند، بی تابی مکن، آنان به ستایش پروردگارت تسبیح گویند.  
 پس بر آنچه می گویند، شکبیا باش، و به ستایش پروردگارت تسبیح گوی.
- ٣- ﴿إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ مِنَ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾  
 همانا من به آنچه از نیکی به سویم فرستی، نیازمندم.  
 همانا من به آنچه نفرستادی از خوبی ها نیازمندم.





□ در زبان فارسی، فعل معمولاً در آخر جمله قرار می‌گیرد، و حال آن‌که در عربی، فعل معمولاً ابتدای جمله می‌آید.

□ در ترجمه اسم‌هایی که دارای تنوین هستند، گاهی «ی» (وحدت یا نکره) اضافه می‌کنیم:  
کتابٌ : کتابی

اشکالات ترجمه فارسی متن زیر را اصلاح کنید :

### مَهْرُ الْبُومَةِ

تَسْكُنُ بَوْمَةٌ فِي خَرَبَةٍ مِنْ خَرَابَاتِ الْبَصْرَةِ. فَقَصَدَتْ تَزْوِيجَ وَلَدِهَا بِإِخْدَى بَنَاتِ الْمُوصِلِ. فَرَفَضَتْ  
بَوْمَةُ الْمُوصِلِ وَقَالَتْ :

### مَحَبَّتِ جَعْدِ

جعدی در خانه‌ای از خانه‌های بصره زندگی می‌کند. [جعقد] خواست پسرش را به ازدواج یکی  
از دختران موصل درآورد. جعقد موصل مخالفت کرد و فریاد زد :

إِنَّ الْبَصْرَةَ بَلَدٌ كَبِيرٌ وَمَعْمُورَةٌ وَوَلَدُكَ لَا يَقْدِرُ دَفْعَ مَهْرِ بِنْتِي وَهُوَ عَشْرَةُ بُيُوتِ خَرَبَةٍ.

بی‌گمان بصره شهر شلوغ و آبادی است و پسر تو نمی‌تواند مهر دخترم را که ده مغازه ویرانه  
است بپذیرد.

فَقَالَتْ بَوْمَةُ الْبَصْرَةِ : نَعَمْ. هُوَ الْآنَ لَا يَقْدِرُ دَفْعَ هَذَا الْمَهْرِ وَلَكِنْ إِذَا بَقِيََتْ حُكُومَةُ مَوْلَانَا الْحَاكِمِ  
«حَفِظَهُ اللَّهُ» لِمُدَّةِ سَنَةٍ؛

جعقد بصره گفت : آری، او اکنون نمی‌تواند این مهر را تهیه کند ولی اگر حکومت سرورمان،  
حاکم «خدا او را حفظ کند» برای مدت دو سال دیگر بماند؛

فَأَنَا أَضْمَنُ لَكَ أَلْفَ بَيْتِ خَرِبٍ لِمَهْرِ بِنْتِكَ.

من برای مهر دخترت هزار خانه ویرانه را تضمین خواهم کرد.

## الف

در آیات زیر سه کلمه از یک ریشه هستند، آن‌ها را در مربع‌های خالی بنویسید و جاهای خالی را پر کنید :

- ۱- ﴿لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (بقره / ۲۶۴)  
 - صدقه‌های خویش را با ..... گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.
- ۲- ﴿لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (فُصِّلَتْ / ۸)  
 - برای آن‌ها پاداشی بی..... است.
- ۳- ﴿قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا﴾ (یوسف / ۹۰)  
 - خداوند بر ما ..... نهاده است.



## ب

کدام جمله بیانگر مفهوم آیه زیر است؟

﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾

الْإِبْتِعَادُ عَنِ الْإِفْرَاطِ وَالتَّفْرِيطِ فِي الْإِنْفَاقِ

عَدَمُ الْإِسْرَافِ فِي الْإِنْفَاقِ

عَدَمُ التَّحَسُّرِ عَلَى الدُّنْيَا

الْإِبْتِعَادُ عَنِ التَّكَاسُلِ

\*\*\*

به نظر شما درس عربی با چه درس‌هایی ارتباط بیش تری دارد؟

عربی را آن‌گونه بخوانیم که ما را در فهم درس‌های دیگر کمک کند.

برای فهم بهتر قسمت «بیاموزیم» در کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، فهم بهتر مطالب کتاب عربی ضروری است!

برخی قسمت‌های کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، همچون بحث ضمیر را با همین بحث در کتاب عربی مقایسه کنید.

متون کتاب زبان فارسی ۱ و ۲ بر توانایی در زمینه ترجمه متون عربی به فارسی می‌افزاید.

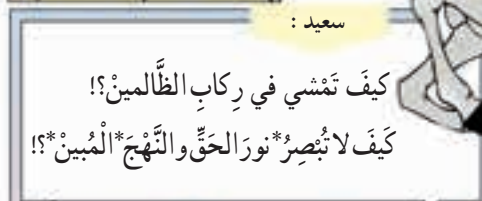
در مورد خدمات ایرانیان به زبان عربی در زمینه‌های صرف، نحو، بلاغت و لغت ..... چه می‌دانیم؟

در مادننامه دیواری خود راجع به این شعر حافظ مطلبی بنویسید :

اگرچه عَرَضَ هنرِ بیش یارِ بی ادبی است  
 زبانِ خموش ولیکن دهانِ پراز عربی است

# مَسْنُ العَاقِبَةِ

الذرين التاسع



٢- فيم : في + ما

١- سعيد و يُرْتَر من أصحاب الإمام الحسين (ع) في واقعة كربلاء.

٢- سُكُونُ آخِرِ الْكَلِمَاتِ لوزن السَّعِيرِ.



الْحَرّ:

نَحْنُ عَطَشَى\*، يَا بِنْتِ  
بِنْتِ الْمُصْطَفَى.

الإمام (ع):

كُلُّكُمْ يَعْرِفُ أَنِّي طَالِبُ إِصْلَاحِ أُمَّةٍ  
أَفْسَدْتُهَا الطَّاعِيَةَ\*، حَكَمْتُهَا بِأَعْيَةِ\*.



الإمام (ع):

وَرَعَوْا\* أَلْمَاءَ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْنَا بِالتَّسَاوِي وَغَدًا يَأْتِي\* الْفَرَجُ\*.



الْحَرّ:

بَلْ نُصَلِّي كُنَّا  
خَلَقَكَ يَا  
سَيِّدَ الرِّسُولِ.

الإمام (ع):

حَآبِتِ الْآنَ الصَّلَاةُ، أَ تُصَلِّي بِرِجَالِكَ؟

الإمام (ع):

أَفَلَا أَنْتُمْ بَعَثْتُمْ لِي رَسُولًا وَ  
صَرَخْتُمْ مِنْ مِظَالِمِي\*!؟

الْحَرّ:

يَا حَسِينَ بَايِعْ\* أَنْتَ أَوْ تَسَلَّمْ\*.

بُرَيْرٌ:

لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ رَوَعَ\*  
أَلَّ الرِّسُولِ.



الإمام (ع):

رَبِّ فَاشْهَدْ\* . خَذَلُونَا\* . كَذَّبُونَا .  
قَدْ تَوَكَّلْنَا عَلَيْكَ . رَبِّ فَاشْهَدْ . ظَلَمُونَا .

لَمَّا سَمِعَ الْحَرُّ كَلَامَ الْإِمَامِ (ع) أَقْبَلَ\* عَلَى الْقَوْمِ .

الْحَرّ:

أَتُقَاتِلُ أَنْتَ هَذَا الرَّجُلَ؟





ابن سعد :

إي\*، قتالاً\*، سشاهد فيه إسقاط\*  
الزؤوس\*.

الحرّ يفترب\* من الإمام (ع) و هو يرتعد\*.

أيها الحرُّ لماذا ترتعد؟ أنت من أشجع\*  
أهل الكوفة\*.



ثمّ جاء الحرُّ نحو\* الإمام (ع) نادماً :

يا إلهي إنني روعت\* أبناء الرسول\*.  
فلذا أطلبُ منك المغفرة و أريدُ  
المعذرة\*.

الحرّ : إنني شاهدتُ نفسي بين نارٍ و نعيم\*.



إنّه سبّطُ النبي، إنّه عينُ علي\*.

هل ترى لي يا إلهي توبة؟!

سمع الإمام (ع) نداءه و قال :

عاد\* - وَاللَّهِ - فَنانَا\* الحرَّ حرّاً\*.



١- من كتاب «الحسين نافرأ و شهيداً» للشرقاوي بتصريف و هو أحد الأباء المسلمين من إخواننا أهل السنّة في مصر.



## جهان کلمات

زبان یکی از وسایل به تصویر کشیدن رویدادها و پدیده‌های جهان هستی است. هرآنچه در طبیعت رخ می‌دهد، زبان، آن را در قالب کلمات درمی‌آورد.  
از این رو طبیعی است که دنیای کلمات نیز از مقوله «فعل» و «فاعل» جدا نباشد.

**تفسیر**  
هر فعلی، فاعلی دارد. پدید آمدن فعل، بدون فاعل، محال است.

## فعل

آیا اقسام و حالات «فعل» را به خاطر می‌آورید؟  
آیا می‌توانید در عبارت‌های زیر «فعل» ها و نوع آنها را تشخیص دهید؟

﴿الْتَّجْمُ وِ الشَّجَرُ یَسْجُدَانِ﴾  
﴿كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ﴾  
﴿إِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

دانستیم که

«فعل» همیشه همراه «فاعل» می‌آید.

## اما

راه تشخیص فاعل چیست؟

### تشخیص از طریق علامت

«فاعل» علامتی دارد که با دیدن آن به «فاعل» بودن کلمه یقین حاصل می‌کنیم.

### تشخیص از طریق معنا

مطمئن‌ترین راه برای یافتن فاعل در جمله، ترجمه عبارت و درک مفهوم جمله است.



□ در زبان فارسی «فاعل» جمله را چگونه تشخیص می دهیم؟  
مثال بزنید.

□ سؤال کردن با «چه چیزی» یا «چه کسی» چگونه ما را در یافتن فاعل کمک می کند؟ مثال بزنید.

□ آیا در زبان عربی هم می توانیم از چنین روشی استفاده کنیم؟



حال از خود سؤال کنید :

پس از یافتن فاعل از طریق معنا، به اعراب کلمه نگاه کنیم، آیا علامت مورد نظر را دارد؟

### علامت فاعل

اعراب فاعل «رفع» است.

### نام گذاری

هرگاه فعل در آغاز جمله بیاید، به آن «جمله فعلیه» می گوئیم.

### جایگاه

به تابلوی روبه رونگاه کنیم :

﴿وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾

﴿بِالْحَقِّ﴾

﴿يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْهُ وَ...﴾

✓ هریک از جمله ها با کدام یک از اقسام کلمه شروع شده اند؟

✓ آیا از طریق معنای عبارت، «فاعل» را می توانید پیدا کنید؟

✓ جایگاه «فاعل» پس از «فعل» است یا قبل از آن؟

نکته «فاعل» در جملات عربی، پس از «فعل» می آید.

### کاربرد

یادآوری

آیا اسم های مذکر و مؤنث را به خاطر می آورید؟ علامت مؤنث بودن اسم، کدام است؟

با دانستن مطالب فوق، اکنون به مطالب صفحه بعد توجه کنید :

## مطابقت

این نکته را فراموش نکنیم.



۷ فعل از لحاظ **مذکر** و **مؤنث** بودن، تابع فاعل خود می باشد؛ مانند:

**مذکر:** يَدْخُلُ الْمُؤْمِنُ الْجَنَّةَ.

**مؤنث:** تَدْخُلُ الْمُؤْمِنَةُ الْجَنَّةَ.

## ارتباط

آیا ضمایر متصل به فعل را می شناسید؟  
ضمایر متصل فعل های ماضی، مضارع و امر در صیغه های چهارده گانه کدام است؟

به کاربرد فاعل همراه صیغه های غایب توجه کنید:

نَجَّحَ الْمُؤْمِنُ . نَجَّحَتِ الْمُؤْمِنَةُ .

نَجَّحَ الْمُؤْمِنَانِ . نَجَّحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ .

نَجَّحَ الْمُؤْمِنُونَ . نَجَّحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ .

آیا فعل ها در جمله های مختلف تغییری کرده اند؟

آیا فعل ها همراه فاعل آمده اند؟

آیا فاعل به صورت اسم ظاهر آمده است؟

در صیغه های غایب هرگاه فاعل به صورت **اسم ظاهر** بیاید، فعل به صورت مفرد می آید.

حال به مثال های زیر توجه کنیم:

هو	الْمُؤْمِنَةُ نَجَّحَتْ .	هو	الْمُؤْمِنُ نَجَّحَ .
ا	الْمُؤْمِنَاتُ نَجَّحَتْ .	ا	الْمُؤْمِنَانِ نَجَّحَا .
ن	الْمُؤْمِنَاتُ نَجَّحْنَ .	و	الْمُؤْمِنُونَ نَجَّحُوا .

هرگاه فاعل به صورت اسم ظاهر نیامده باشد، فعل همراه ضمیری می آید که همان ضمیر، فاعل است.

بیش تر جمله ها در زبان عربی به صورت جمله فعلیه است.

توجه

در صیغه های مخاطب و متکلم - همانند همه زبان ها - فاعل به صورت «ضمیر» می آید؛ مانند:

أَكْتُبُ (أنا) - تَكْتُبُونَ (و) - تَكْتُبِينَ (ي) و ...

قبل از فعل به دنبال «فاعل» نگردیم. اول فعل، سپس فاعل.

پنابراین

فاعل در جمله به سه صورت می آید:

انواع:

﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾

كَلِمَ (أَنْتَ) النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.



تشخیص مفعول

- ✓ در زبان فارسی مفعول را چگونه تشخیص می دهیم؟
- ✓ آیا درک مفهوم عبارت، کمکی در این زمینه می کند؟
- ✓ آیا مفعول در زبان فارسی دارای علامتی هست؟

حال به آیات تابلوی زیر توجه کنید:

﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾

﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ﴾

﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾

در زبان عربی مفعول را چگونه تشخیص می‌دهیم؟

## ۱- تشخیص از راه معنا

قدم نخست برای تشخیص مفعول به همچون سایر نقش‌ها، فهم معنای عبارت است. در زبان عربی «مفعول به» نیز دارای علامتی است که به وسیله آن می‌توان مطمئن شد که تشخیص ما صحیح بوده و کلمه مورد نظر «مفعول به» است.

علامت اختصاصی مفعول به معمولاً **فتحه** (ـَ) است، یعنی «مفعول به» پیوسته منصوب می‌باشد.

### جایگاه

«مفعول به» معمولاً بعد از **فاعل** می‌آید.



ضمایر منفصل منصوب (إِيَّاكَ و ...) و نیز ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه، هرگاه با فعل بیایند، غالباً مفعول به هستند.

فرق میان معنای «نَصْرَةٌ» و «نَصْرُهُ» چیست؟

### جار و مجرور

به تابلوی روبه‌رو توجه کنید:

﴿ لَا تَقْنُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾  
﴿ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴾

آیا اثر فعل «قُطِطَ» به کلمه «رحمة» سرایت کرده است؟  
آیا این سرایت به واسطه کلمه دیگری اتفاق افتاده و یا آن که مستقیماً صورت گرفته است؟  
در همه زبان‌ها کلماتی این چنین را از مقوله «مفعول»‌ها و یا «متمم»‌ها به‌شمار می‌آورند.  
در زبان عربی نیز این چنین است.

اما...

چون این کلمه همراه واسطه‌ای ذکر می‌شود، به آن **مفعول به** گفته نمی‌شود.

حال به تابلوی روبه‌رو

نگاه کنیم:

﴿ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾ ﴿ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾ ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ ﴾

﴿ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ﴾

نام‌گذاری

به حروفی مانند: «**مِن**» (از)، «**فِي**» (در)، «**إِلَى**» (به، به سوی)، «**لِ**» (برای)، «**عَلَى**»

(بر، روی)، «**بِ**» (با)، «**ك**» (مانند)، «**عَن**» (از) «**حرف جر**» و به اسم پس از آن‌ها «**مجرور**»

و به هردو «**جار و مجرور**» می‌گوییم.

حروف جر تنها قبل از **اسم** می‌آیند.

از خود سؤال کنید:

– فرق معنایی و نقش کلمه الطالب در دو جمله «ذَهَبَ الطَّالِبُ» و «رَأَيْتُ الطَّالِبَ» چیست؟

– آیا می‌توان گفت که یکی از نشانه‌های اسم بودن، وجود حروف جر قبل از آن است؟

– چرا فعل‌های لازم (ناگذر) به مفعول نیاز ندارند؟

– آیا مفعول به در آغاز جمله نیز قرار می‌گیرد؟



## تمارين

### التدريب الأول

عين الصحيح أو الخطأ في العبارات التالية:

- |  |   |
|--|---|
|  | ١- قصد الإمام (ع) بحركته، إصلاح أمة رسول الله (ص).    |
|  | ٢- إنَّ الله قد قَبِلَ توبَةَ «حُرٍّ».                |
|  | ٣- وَصَلَتْ قافلَةُ الإمام (ع) إلى الكوفةِ.           |
|  | ٤- ما أُرْسِلَ أهل الكوفةِ الرسائلَ لدعوة الإمام (ع). |

### التدريب الثاني

أكمل الفراغ بالصيغة المناسبة:

- |   |   |
|---|---|
| ١- ... العَمَلُ الصَّالِحُ دَرَجَةٌ الْإِنْسَانِ.               | (يَرْفَعُ، تَرْفَعُ، يَرْفَعَانِ)       |
| ٢- أَلْعَمَلُ الصَّالِحُ ... دَرَجَةٌ الْإِنْسَانِ.             | (يَرْفَعُ، تَرْفَعُ، يَرْفَعَانِ)       |
| ٣- أَلْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ ... الْإِنْسَانَ إِلَى اللَّهِ.     | (تُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبُ) |
| ٤- ... الْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ الْإِنْسَانَ إِلَى اللَّهِ.      | (يُقَرِّبَانِ، تُقَرِّبُ، يُقَرِّبُ)    |
| ٥- الْمُؤْمِنُونَ ... وَلَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا.                | (يَصْدُقُونَ، يَصْدُقُ، يَصْدُقَانِ)    |
| ٦- ... الْمُؤْمِنُونَ وَلَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا.                | (يَصْدُقُ، يَصْدُقُونَ، يَصْدُقَانِ)    |
| ٧- الْأُمَّهَاتُ ... أَنْفُسَهُنَّ فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ. | (تُنْعِبْنَ، يُنْعِبْنَ، تُنْعِبُ)      |
| ٨- ... الْأُمَّهَاتُ أَنْفُسَهُنَّ فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ. | (تُنْعِبْنَ، يُنْعِبْنَ، تُنْعِبُ)      |



## التحليل الثالث

صَحِّح الأخطاء في الإعرابِ والتَّحليلِ الصَّرْفِيّ:

يَنْجَحُ الصَّادِقُ وَيَفْشَلُ الكَاذِبُ.

ينجح : فعلٌ أمرٌ، للغائبِ، مزيد ثلاثي، مبني/فعل مرفوع و فاعلهُ «الصادق» والجملةُ اسميةٌ.

الصادق : اسم، جمعٌ، مذكّر، مشتقٌ و اسم مفعول، معرب/فاعل و منصوب و : حرف، مبنيٌّ على الفتح.

يفشل : فعل مضارع، للغائبة، مجرد ثلاثي، معرب/فعل منصوب و فاعلهُ «الكاذب» والجملةُ فعلية.

الكاذب : اسم، مفرد، مؤنث، جامدٌ، معرب / فاعل و مجرور.

## التحليل الرابع

إملاَ الجدولَ من كلمات العباراتِ التالية:

١- يُبَسِّرُ اللهُ الْمُؤْمِنَ بِرَحْمَتِهِ.

٢- يَا مُوسَى ﴿.....﴾ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ﴿﴾

٣- ﴿﴾ وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ﴿﴾

٤- الْحَسَنَةُ تُوَدُّهُ \* السَّيِّئَةُ.

	اسم ظاهر
	ضمير بارز
	ضمير مستتر
	مفعول به
	جار و مجرور

انواع فاعل

مفعول به — جار  
و مجرور

## التَّعْرِيبُ

«تعريب» یعنی ترجمه کردن به زبان عربی، خواه از زبان فارسی باشد یا از زبان‌های دیگر.

## التَّحْمِیْنِ الْخَامِسِ

عَرَّبْ \* العباراتِ التَّالِيَةَ :

- ۱- علم، انسان را به خداوند نزدیک می‌کند.
- ۲- وقت نماز رسیده است، الآن می‌رویم و نماز می‌خوانیم.
- ۳- آن‌ها نور حق را ندیدند و از حقیقت دور شدند.

## التَّحْمِیْنِ السَّادِسِ

عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ: (= ، ≠)

السَّابَّ ..... الْعَجُوزَ	التَّوْبَ ..... اللَّبَاسَ	السَّوْءَ ..... الْحُسْنَ
الْجَيْدَ ..... الطَّيِّبَ	وَجَدَ ..... فَقَدَ	تَحْتَ ..... فَوْقَ
بَعَثَ ..... أَرْسَلَ	عَلَيْنَا ..... لَنَا	الابنَ ..... الْوَلَدَ
إِقْتَرَبَ ..... ابْتَعَدَ	الْفَتَى ..... الشَّابَّ	الْحَسَنَةَ ..... السَّيِّئَةَ



- اسم پس از فعل همیشه فاعل نیست. فاعل گاهی در داخل فعل به صورت مستتر قرار می گیرد.
- فعل گاهی در آغاز جمله به صورت مفرد می آید و حال آن که فاعل آن به صورت جمع است.
- در این صورت، فعل را به صیغه جمع ترجمه می کنیم: کتب الطلاب: دانش آموزان نوشتند.
- جایگاه مفعول معمولاً پس از فاعل است. اما در همه جای جمله می تواند قرار گیرد. بدین جهت توجه به مفهوم عبارت راهگشای یافتن مفعول یک فعل است.
- ضمائر منفصل منصوب هرگاه در آغاز جمله به کار روند، در ترجمه آن ها، کلماتی از قبیل «تنها»، «فقط» و ... را اضافه می کنیم.

اشکالات ترجمه زیر را اصلاح کنید.

### طریق تعلیم العلم

سَجَنَ فرعونُ عالمَ الهندسةِ «أقليدس». في يومٍ من الأيامِ قال فرعونُ: أقبَلتَ كلامي؟ قال أقليدسُ: لا. أنتَ تَطْلُبُ شيئاً مُستحيلاً.

### راه آموزش علم

فرعون، دانشمند هندسه اقلیدس را زندانی می کند. در روزی از روزها فرعون گفت: آیا سختم را قبول می کنی؟ اقلیدس گفت: نه. تو چیز غیر ممکن درخواست کرده ای.  
صَرَخَ فرعونُ: لا. عَلَّمَنِي الهندسةَ في ثلاثةِ أيامٍ فقط. أ فَهَمَّتْ؟  
فرعون گفت: نه. فقط در سه روز هندسه را به من یاد بده. آیا می فهمی؟  
إِسْتَسَمَ أقليدسُ و قَالَ: يا فرعونُ، طريقُ الملوكِ مَخْفُوفٌ بِالْأزْهَارِ و طريقُ العلمِ مَخْفُوفٌ بِالْمَصَاعِبِ و المُشْكَلاتِ.

اقلیدس خندید و گفت: ای فرعون، راه پادشاه با آسانی ها پوشیده شده و راه علم با نگرانی ها و مشکلات. سَمِعَ فرعونُ كلامَ أقليدسِ و صَرَخَ: إِزْجِعْ إِلَى السَّجْنِ. بَقِيَ أقليدسُ فِي السَّجْنِ و مَا عَبَّرَ نَظْرَهُ.  
فرعون سخن اقلیدس را شنید و دستور داد: به زندان برو. اقلیدس در زندان ماند و نظرش تغییر نیافت.  
بعد آیام فَتَحَ السَّجَانَ بِأَبِ السَّجْنِ فَوَجَدَ أقليدسَ مَيِّتاً و بِجَانِبِهِ وَرَقَةٌ: «ليس أسلوبُ ملكي لتعليم الهندسة!»  
پس از دو روز زندانبان در زندان را باز کرد و اقلیدس را بیمار یافت و در دستش کاغذی بود: «برای آموزش هندسه روش شاهانه ای وجود ندارد».

پیام آیه شریفه « أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ » کدام است؟

- باید امر به معروف کرد.
- لزوم نهی از منکر را نباید فراموش کرد.
- انسان باید به علم خود عمل کند.
- انسان باید خود نیکوکار باشد سپس دیگران را به کار نیک سفارش کند.

\*\*\*

«صِفَةُ الْمُؤْمِنِ»

الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ ..... يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ<sup>۱</sup> .....  
شَكُورٌ صَبُورٌ، مَعْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ<sup>۲</sup>.

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ :

«الْحِكْمَ ۳۳۳»

۱- الرِّفْعَةُ : غرق اندیشه های خویش است.

۲- مَعْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ : غرق اندیشه های خویش است.

## ...فيه شفاء للناس



اللَّهُ أَنْزَلَ الْقُرْآنَ لِسَعَادَةِ الْبَشَرِ.  
و فِيهِ مَا يَضْمَنُ \* سَلَامَةَ رُوحِهِ وَ  
جِسْمِهِ.  
الْأُمَّةُ الْإِسْلَامِيَّةُ لَا تَتَقَدَّمُ \* إِلَّا بِشَعْبٍ \*  
سَلِيمٍ بَعِيدٍ عَنِ الْأَمْرَاضِ الْفِكْرِيَّةِ وَ النَّفْسِيَّةِ  
وَ الْجَسْمِيَّةِ.

وَالْقُرْآنُ مِنْهَاجٌ \* لِسَعَادَةِ الْإِنْسَانِ وَ عَقِيدَةٌ لِلْحَيَاةِ.  
وَ فِي بَعْضِ آيَاتِهِ يُشَجِّعُ \* الْقُرْآنُ النَّاسَ عَلَى الْإِسْتِفَادَةِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ الَّتِي تَضْمَنُ  
سَلَامَةَ الْأَبْدَانِ وَ تُسَبِّبُ \* نَشَاطَ الْأُمَّةِ وَ تَقَدِّمُهَا.

\*\*\*



﴿ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ ... ﴾  
الْعَنْبُ مِنْ أَعْنَى \* الْعُنَاصِرِ السُّكَّرِيَّاتِ \*.  
وَ هِيَ الْمَادَّةُ الْأَسَاسِيَّةُ لِإِيجَادِ الطَّاقَةِ \*  
فِي الْجِسْمِ.



﴿والتين\* و ..... ﴾  
 أَلْقِيْمَةُ الْغِذَائِيَّةُ لِهَذِهِ الثَّمْرَةُ  
 عَالِيَةٌ جِدًّا وَ فِيهَا مَوَادُّ مُخْتَلِفَةٌ  
 كَالْأَمْلَاحِ\* مِّنَ الْفُوسْفُورِ وَالْحَدِيدِ وَ الْكَالْسِيُومِ.



﴿فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ ..... رُْمَانٌ ﴾  
 أَلرُّْمَانُ غَنِيٌّ بِعُنْصُرِ الْحَدِيدِ. وَ هُوَ  
 ضَرُورِيٌّ لِتَكْوِينِ الْكُرْيَاتِ\* الْحَمْرَاءِ.



﴿..... رُطْبًا جَنِيًّا\* ﴾  
 هُوَ أَحَدُ مُلُوكِ الْفَوَاكِهِ الثَّلَاثَةِ :  
 أَلْعِنَبِ وَ التَّيْنِ وَ الرُّطْبِ\*.  
 أَلرُّطْبُ مَعَ قَدَحٍ\* مِّنَ اللَّبَنِ\*  
 غِذَاءٌ كَامِلٌ.





﴿... شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٌ...﴾  
كُلُّ مَا فِي شَجَرَةِ الزَّيْتُونِ  
— مِنْ وَرَقٍ وَ ثَمَرٍ وَ زَيْتٍ\* —  
يَنْفَعُ النَّاسَ.



﴿... وَ بَصَلِهَا...﴾  
الْأَطْبَاءُ يَسْتَعْمِلُونَ الْبَصَلَ\* فِي عِلَاجِ  
بَعْضِ الْأَمْرَاضِ وَ هُوَ مُفِيدٌ لِتَطْهِيرِ\* الْقَمَمِ  
مِنَ الْجَرَائِمِ\*.



﴿... لَبَنًا خَالِصًا...﴾  
اللَّبَنُ غِذَاءٌ كَامِلٌ وَ عِلْمَاءُ التَّغْذِيَةِ  
يَعْتَبِرُونَهُ\* أَفْضَلَ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ.



﴿..... و عَدَسِهَا...﴾  
هو غذاء سهل الهضم غني  
بالبروتين.



﴿..... و فومها.....﴾  
ذكر الأطباء للثوم\* أربعين فائدة  
طبيّة.



﴿... فيه شفاء للناس﴾  
في العسل سبعون مادة مختلفة  
مفيدة وهو مبيد للجراثيم.



﴿... لحمًا طرياً﴾  
السّمك من الأطعمة المفيدة  
لأمراض القلب.  
و فيه عنصر الفوسفور و فيه منافع  
للناس.



### نمونه‌ها

در تابلوی زیر به کلمات «ابتدا»ی عبارت‌ها و نیز کلمه‌های «خبر» رسان دقت کنیم:



### نام‌گذاری

- ✓ جمله‌هایی که با «اسم» شروع می‌شوند، «جمله اسمیه» نامیده می‌شوند.
- ✓ به «اسمی» که در آغاز جمله اسمیه می‌آید، «مبتدا» (مبتدا) می‌گوییم.
- ✓ به کلمه یا کلماتی که پس از مبتدا می‌آیند و معنای مبتدا را کامل می‌کنند، «خبر» می‌گوییم.



دانستیم که ارتباط میان فعل و فاعل، ارتباطی جدانشدنی است. فعل بدون فاعل قابل تصوّر نیست.

### اما...

در زبان فارسی تفاوتی میان «دانش‌آموز آمد» و «آمد دانش‌آموز» از جهت فاعل جمله وجود ندارد. در هر دو جمله «دانش‌آموز» «فاعل» است. اما در زبان عربی در صورتی که فاعل بر فعل مقدم شود، دیگر به آن فاعل گفته نمی‌شود، بلکه نام جدیدی به خود می‌گیرد: **مُبتدأ**

جاء الطالبُ : فعل و فاعل

الطالبُ جاءَ : مبتدا و خبر



حال از خود سؤال کنید:

۱- جمله ای که با فعل شروع می شود، چه نام دارد؟ مثال بزنید.

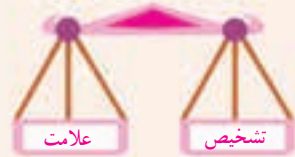
۲- آیا «فعل» می تواند «مبتدا» واقع شود؟

۳- کلمه «مبتدا» چه نوع مشتقی است و به چه معناست؟



اعراب «مبتدا»، «رفع» است و مبتدا «مرفوع».

«خبر» نیز همانند مبتدا، «مرفوع» است.



برای یافتن «خبر»، بی بردن به مفهوم عبارت راهگشاست. ترجمه و درک معنای جمله، «خبر» را مشخص می کند.

به نظر شما در جمله *الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ مَحْمُودٌ*. «خبر» کدام است؟

یک بار دیگر به تابلوی آیات نگاه کنیم:

آیا در همه عبارات ها مبتدا را تشخیص می دهیم؟

آیا «خبر» مبتدا را در همه عبارات ها تشخیص می دهیم؟

آیا می توانید بگویید که «خبر»ها به چند صورت آمده اند؟

خبر غالباً به یکی از سه صورت زیر می آید:

مفرد	مانند:	الْمُؤْمِنُ صَبُورٌ.	الْمُؤْمِنُونَ صَادِقُونَ.	الْمُؤْمِنَاتُ صَابِرَاتٌ.
جمله فعلیه	مانند:	الْمَسْلُومُ يَصْدُقُ.	الْمُؤْمِنَةُ تَصْدُقُ.	الْمُجِدُّ نَجَحَ.
جار و مجرور	مانند:	النَّجَاءُ فِي الصِّدْقِ.	الْإِيمَانُ بِالْعَمَلِ.	الْعَفَافُ مِنَ الْإِيمَانِ.

۱- جار و مجرور را در اصطلاح «شبه جمله» می نامند.

به عبارات تابلوی روبرو توجه کنیم :

الإنسان عَبْدُ الإحسانِ .  
أنتَ مسؤولٌ عن عمَلِك .  
الغريقُ يَتَشَبَّهُ بِكُلِّ حَشِيشَةٍ\* .

□ کلمه های ابتدای جمله ها کدام یک از اقسام کلمه هستند؟

□ آیا علامت رفع را در «ابتدا» و «خبر» ملاحظه می کنید؟

□ «ضمایر» و «اسم های اشاره» معرب هستند یا مبنی؟

□ «جمله» و «جار و مجرور» چگونه؟

این نکته را به خاطر بسپاریم

✓ اعراب کلمات مبنی (ضمایر، اشاره، ...) «محلّی» است.

✓ اعراب «جمله» و «شبه جمله» نیز «محلّی» است.

✓ بنابراین : در مبتدا و خبر، ضمایر و اسم های اشاره و «جمله» ها

و «شبه جمله» ها «محللاً مرفوع» می باشند.



مَحْتَرَمٌ	هُوَ
مبتدا و محللاً مرفوع	خبر و مرفوع

جَلَسْتُ	الطَّالِبَةُ
مبتدا و مرفوع	خبر و محللاً مرفوع

سَعِيدٌ	فِي الْمَدْرَسَةِ
مبتدا و مرفوع	خبر و محللاً مرفوع

هَذَا	طَرَقَ	البَابِ
مبتدا و محللاً مرفوع	خبر و محللاً مرفوع	مفعول به و منصوب

مَحْتَرَمٌ	الطَّالِبُ
مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع

جَالِسَةٌ	الطَّالِبَةُ
مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع

سَعِيدٌ	حَاضِرٌ
مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع

الطِّفْلُ	طَرَقَ	البَابِ
مبتدا و مرفوع	خبر و محللاً مرفوع	مفعول به و منصوب

اجعل الجُمْلَ التالية في مكانٍ مناسبٍ من الجدولِ :

الجملة الاسمية			
نوع الخبر	الخبر	المبتدأ	
			١
			٢
			٣
			٤
			٥

١- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

٢- الرائد\* لا يَكْذِبُ أَهْلَهُ.

٣- هؤلاءِ مَصَابِيحُ الْأُمَّةِ.

٤- الصَّدُوقُ رَأْسُ الْفَضَائِلِ\*.

٥- شَرَفَ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ\*.

اجعل الفاعل مُبتدأً و المبتدأ فاعلاً و غير ما يلزم :

١- يَأْمُرُ الْمُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ.

٢- يَعْطِفُ\* الْوَالِدَانِ عَلَيْنَا.

٣- أَلْتَلْمِيزَتَانِ سَاعَدَتَا أُمَّهُمَا.

٤- تَجْتَمِعُ الْمُسْلِمَاتُ فِي الْمَسْجِدِ.

٥- الْمُرَضَاتُ\* يَعْطِفْنَ عَلَى الْمَرْضَى.

٦- الْمُسْلِمُونَ رَفَعُوا أَعْلَامَ الْحَضَارَةِ\* فِي الْعَالَمِ.

ميّز الخطأ في كلِّ عبارة ثم اكتب الصَّحيحَ :

١- الْعِرَّةُ لَا يَحْضُلُ بِالتَّكَاثُلِ.

٢- الْمُعَلِّمُ أَنْبِيَاءُ الْأُمَّةِ.

٣- حُسْنُ الْخُلُقِ مِنْ ثَمَرَاتِ الْأَدَبِ.

٤- التَّوَأصُّعُ تَرْفَعُ قِيمَةَ الْإِنْسَانِ.



## التعريف الرابع

املا الفراغ في كل صورة:

مفعول جار و مجرور



وَفَجَاءَ نَهَضَتْ فَارَةً صَغِيرَةً  
مِنْ مَكَانِهَا وَقَالَتْ:  
- نُهَاجِمُهَا.

مبتدا خبر



- ماذا نَفْعَلُ؟  
- نَنْتَظِرُ. سَتَذْهَبُ.  
- هي لا تَذْهَبُ.  
- نَحْنُ جَرَيْنَا ذَلِكَ وَقَسَلْنَا\*.

مفعول فاعل



إِسْتَعْفَلْتُ\* قِطْعَةً كَبِيرَةً فَرْتَانًا\*.

متعدي لازم



ولكن،  
شَاهَدَتِ الْفِئْرَانُ كَلْبًا.  
فَفَرِحْنَا بِالنَّجَاةِ.

فاعل فعل



فَتَقَدَّمْتُ نَحْوَ الْقِطْعَةِ.  
شَاهَدَ الْجَمِيعُ مَنْظَرًا عَجِيبًا!  
نعم. عَجِيبٌ!  
أَتَهَرَّبُ الْقِطْعَةَ مِنْ خَوْفِ فَارَةٍ؟!

فاعل فعل



- وَ مَنْ لَهُ جُرْأَةٌ؟!  
- سوف أهاجِمُهَا ... و  
إِغْتَمَمُوا أَنْتُمْ الْفُرْصَةَ لِلْفِرَارِ.

## التعريف الخامس

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَعْرِيبِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ١- ميوه براى سلامتى بدن مفيد است.  
الف) الفاكهه مفيدة لسلامة البدن.   
ب) الثمرة مفيدة لسلامة البدن.
- ٢- فرصت را براى يادگيرى غنيمت شماريد.  
الف) إغْتَمَمُوا الْفُرْصَةَ لِلتَّعْلِيمِ.   
ب) إغْتَمَمُوا الْفُرْصَةَ لِلتَّعْلَمِ.
- ٣- مسلمانان براى كارى مهم در مسجد جمع مى شونند.  
الف) يَجْتَمِعُ الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِ مَهْمٍ فِي الْمَسْجِدِ.   
ب) يَجْتَمِعُونَ الْمُسْلِمُونَ لِلْأَعْمَالِ الْمَهْمَةِ فِي مَسْجِدِ.

إنتخب الصحيح للفرغ في الإعراب و التّحليل الصّرفي :

«العاقِلُ يَعْتَمِدُ الفرصَةَ في الحياة.»

- العاقِلُ اسمٌ، جامدٌ  ، مذكرٌ، مبنيٌّ  / مبتدأ و مرفوعٌ  ،  
 مشتقٌّ (اسم فاعل)  معربٌ  منصوبٌ
- والجملةُ فعليةٌ   
 اسميةٌ

- يَعْتَمِدُ فعلٌ، ماضٍ  ، للغائب، مجرد ثلاثيٌّ  ، متعدّدٌ مبنيٌّ  ،  
 مضارعٌ  مزيدٌ ثلاثيٌّ  معربٌ
- فعلٌ و فاعلهُ ضميرٌ هو المستتر و الجملةُ فعليةٌ و خبرٌ من نوعِ الفعليةِ  مرفوعٌ محلاً   
 خبرٌ من نوعِ المفرد  مرفوعٌ

- الفرصةُ اسمٌ، جامدٌ  مبنيٌّ  مفردٌ  مذكرٌ  منصوبٌ  ،  
 مشتقٌّ  معربٌ  مثنيٌّ  مؤنثٌ  / مفعولٌ و منصوبٌ محلاً
- مبنيٌّ على الكسر   
 في حرف جرٍّ ، مبنيٌّ على السكون

- الحياةُ اسمٌ  مذكرٌ  مبنيٌّ  ، مفردٌ، جامدٌ، /  
 فعلٌ  مؤنثٌ  معربٌ

- مجرورٌ بحرف جرٍّ  ، (في الحياة : جازّ و مجرور)  
 منصوبٌ

در آیات زیر کلماتی از ریشه (ظَلَمَ) بیان شده است. در کدام مربع توضیحات صحیح درباره آن‌ها داده شده است؟

۱- ﴿وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ﴾ (غافر/ ۳۱)

مشتق

جامد

۲- ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوِیِّهِ سُلْطٰنًا﴾ (إسراء / ۳۳)

اسم  
مفعول

اسم  
زمان

۳- ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ (أنعام/ ۲۱)

اسم  
تفضیل

فعل  
ماضی

## ب

مفهوم صحیح آیات زیر کدام است؟

﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾

خشک و تر با هم می‌سوزند.

هیچ‌کس از خشم خدا در امان نیست.

هیچ چیز نزد خدا پوشیده نیست.

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ﴾

نكوهش شرط بندی

جان انسان‌ها را نباید بازیچه قرار داد.

مسؤولیت انسان نسبت به اعمالی که انجام می‌دهد.

		الف		
۱	إِشْتِاقٌ : اشتیاق پیدا کرد، مشتاق شد	۳	أَسْفٌ : متأسف	
۹	الأَشْجَعُ : شجاع تر، شجاع ترین	۹	الْأَلُّ : خاندان	
۳	أَصْبَحَ : شد	۴	إِبْتَعَدَ : دور شد	
۱۰	إِعْتَبَرَ : به شمار آورد	۴	إِبْتَلَعَ : بلعید	
۸	إِعْتَمَدَ : اعتماد کرد	۹	أَبْصَرَ : دید	
۶	الإِعْزَازُ : عزّت و احترام	۹	أَتَى — یأتی : آمد	
۱۰	إِغْتَنَمَ : غنیمت شمرد	۴	الأَحْیَالُ : نسل ها (جمع جیل)	
۱۰	الأَغْنَى : غنی تر، غنی ترین	۷	الأَحَدُ : یکتا	
۲	أَفْرَعٌ : فرو ریخت	۳	الأَحْذِیَّةُ : کفش ها (جمع حذاء)	
	أَفْرَغَ عَلَینَا صَبْرًا : صبری به ما عطا کُن.	۶	أَخْبَرَ : خبر داد	
۷	أَقَامَ — یُقیمُ : به پا داشت	۹	أَذْهَبَ : بُرد	
	إِقامَةُ الصَّلَاةِ : به پا داشتن نماز	۹	إِرْتَعَدَ : لرزید	
۳	أَقْبَلَ : روی آورد، جلو آمد	۹	إِرْتَفَعَ : بالا آمد	
۹	إِقْتَرَبَ : نزدیک شد	۷	أَرْجَعَ : بازگرداند	
۲	الأَقْدَامُ : گام ها، پاها، (جمع قَدَم)	۵	الأَرْحَصُ : ارزان تر	
۵	الأَلْبِیسَةُ : جامه ها (جمع لباس)	۱۰	الأُسُوعُ : هفته	
۱	أَلْحَقَ : ملحق کرد، رساند	۳	إِسْتَقْبَلَ : استقبال کرد، به پیش باز رفت	
	أَلْحَقَنِی بِالصَّالِحِینَ : مرا به درستکاران	۳	إِسْتِیْقَظَ : بیدار شد، از خواب برخاست	
	ملحق کُن	۹	الإِسْقَاطُ : ساقط کردن، انداختن	
۹	أَلْفَى : انداخت	۲	أَسْلَمَ : اسلام آورد	
۱	إِلَیْكَ : به سوی تو	۳	الأُسُوةُ : الگو، نمونه	
۴	الأَلِیمُ : دردناک	۱	أَشَارَ : اشاره کرد	
۵	الأَمَارَةُ : بسیار امرکننده، فرمان دهنده		أَشِیرَ لِیْهَا بِخَطٍّ : با خط به آن اشاره شده،	
۱۰	الأَمْلَاحُ : مواد معدنی		زیر آن خط کشیده شده است	
۷	أَنْزَلَ : نازل کرد، فرو فرستاد			



۱۰	الخضارة : تمدن	ث	
۳	الخفاوة : به گرمی استقبال کردن، پذیرایی گرم و صمیمانه	الثمن : قیمت	۳
۳	الحفلة : جشن	تمنه باهظ : قیمتش گران است	۱۰
۱	الحکم : حکمت، دانش	الثوم : سیر	

### ج

	الخ	الجودود : نیاکان (جمع جد)	۸
۹	خَذَلُ : خوار کرد، تنها رها کرد	الجراثيم : میکروب‌ها، (جمع جرثومة)	۱۰
۶	الخروف : گوسفند	جَزَعٌ - بی تابی کرد	۶
۴	خَلَصَ : نجات داد، رهایی بخشید	لا تَجْرَعِي : بی تابی مکن.	
	د	الجزيل : فراوان	۲
		شكراً جزيلاً : بسیار متشکرم.	

۲	دافع : دفاع کرد	جَفَفَ : خشک کرد	۵
۴	دَلُّ : راهنمایی کرد	الجني : تازه چیده شده	۱۰
۸	الدَّيْكَ : خروس	الجوارح : اعضای (بیرونی) بدن (جمع جارحة)	۱
	ذ	قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي : اعضای بدن مرا برای خدمت خودت توانمند کن.	

	ذات : صاحب، دارنده	الجوانح : اعضای (درونی) بدن (جمع جانحة)	۱
۲	ذات ليلٍ : شبی	أَشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي : اعضای بدن مرا برای برخورداری از عزمی راسخ، استوار بدار، یاری کن	
۸	ذات يومٍ : روزی		
۴	الذَّهَبُ : طلا		

۸	ذوي التيجان : صاحبان تاج، تاجداران (خروس‌ها)	ح	
---	--	---	--

	ر	الحاذق : ماهر، زبردست	۶
۱۰	الرَّائِدُ : پیش‌آهنگ، راهنما	حَبَبٌ : محبوب گرداند، خوشایند ساخت	۳
۶	راجع : مراجعه کرد	الحبيب : محبوب، دوست	۲
۹	الرؤوس : سرها (جمع رأس)	الحَرَ : گرما	۵
		الحشيشة : یک دانه علف خشک	۹
		الحصول : به دست آوردن، دست یافتن	۶



۲	سَمَخَ ۛ : اجازه داد	۹	الرَّخَاءُ : آسایش، رفاه
۵	السُّنْدُسُ : نوعی پارچه ابریشمی	۳	الرَّخِيسُ : ارزان
۲	السَّنِينُ : سالها (جمع سَنَة)	۱۰	الرُّطْبُ : خرما
۵	السَّوَابِقُ : پیشتازان (جمع سابقَة)	۲	الرَّعَايَةُ : توجه، مراقبت
۵	السَّوَاءُ : بدی، زشتی	۵	الرَّغَبَاتُ : تمایلات (جمع رَغْبَة)
۵	السَّيِّئَةُ : بد و ناپسند	۸	رَفَضَ ۛ : رد کرد، نپذیرفت، مخالفت کرد
		۹	رَوَّعَ : ترساند

### ش

۵	الشَّبَابُ : جوانان (جمع شاب)، جوانی	۴	زَهَقَ ۛ : نابود شد
۱۰	شَجَّعَ : تشویق کرد	۱۰	الرَّيْتُ : روغن
۱	شَدَّ ۛ - يَشُدُّ : نیرومند ساخت	۴	الرَّيْنَةُ : زیورآلات
۸	الشَّعَارُ : کِسوت، لباس، علامتی که گروهی به وسیله آن شناخته می شوند.		خَرَجَ فِي زِينَتِهِ : با جلال و شکوه بیرون آمد.

۱۰	الشَّعْبُ : مَلَّتْ		
۵	الشَّفِيقُ : دلسوز		
۹	شَهِدَ ۛ : شهادت داد، گواهی داد	۱	السَّابِغُ : فراخی دهنده
	رَبِّ فَانْشَهُدْ : پروردگار من، شاهد باش.		يا سَابِغِ النِّعَمِ : ای کسی که فراخی نعمت را به کمال داده است.

### س

		۵	السَّابِقُونَ : پیشتازان، (جمع سابق)
		۸	سَبَّ ۛ : دشنام داد
۴	صَاحِبُ الْجَلَالَةِ : دارای شکوه، اَعْلَى حضرت	۱۰	سَبَبٌ : سبب شد
۷	الصَّامِتُ : ساکت، خاموش	۹	السَّبِطُ : نوه دختری
۴	الصَّانِعُ : سازنده	۱۰	سَبْعُونَ : هفتاد
۳	الصُّحُفُ : روزنامهها (جمع صَحِيفَة)	۳	السَّجَّادَةُ : قالی، قالیچه
	الصحيفة المسائيّة : روزنامه عصر	۱۰	السُّكَّرِيَّاتُ : موادّ قندی، گلوکوزها
۲	صَدَّقَ : باور کرد	۹	سَلَّمَ : تسلیم شد
۹	صَلَّى ۛ - يُصَلِّي : نماز خواند		بَايِعْ أَنْتَ أَوْ تُسَلِّمْ : بایبعت کن و یا تسلیم می شوی.
۵	صَوَّرَ : ترسیم کرد		

۵	عَلِمَ بِ...: بی برد، دانست	ض
۹	عَلَيْنَا: علیه ما	۱۰ ضَمِينٌ -: تضمین کرد
۳	العُنُق: گردن	
۸	عَنِّي: از جانب من (عن+ن+ي)	ط
۹	العَيْن: شبیه، مانند	۴ الطَّاعُوت: سرکش
۱	عَيَّن: تعیین کرد	۹ الطَّاعِيَّة: ستمگر، بسیار سرکش
		۱۰ الطَّاقَة: نیرو، انرژی
		۲ طَرَقَ ُ: زد، کوبید
		۱۰ الطَّرِي: تازه، خرم
		۷ طَيِّب: خوب، بسیار خوب
		ظ
		۸ ظَنُّ ُ: گمان کرد
		ع
		۹ عادَ- يَعُودُ: بازگشت
		عادَ وَاللَّهِ فَتَانَا الْحُرُّ حُرًّا: به خدا سوگند که
		جوان ما «حرّ» آزاده بازگشت.
		۸ العارِف: دانا
		۲ عاهدَ: پیمان بست، عهد بست
		۲ العَجُوز: پیرزن
		۹ عَرَّبَ: به عربی ترجمه کرد
		۷ العَزِي: نام یکی از بت‌های کفار قریش
		۱ العَزِيْمَة: اراده قوی
		۹ عَطِشَ -: تشنه شد
		۹ العَطِشِي: تشنگان (جمع عطشان)
		۱۰ عَطَفَ -: مهربانی کرد
		۳ عَلَّقَ: آویزان کرد
		ق
		۲ قَبِلَ: طرف، سمت، جهت
		۹ القِتال: جنگ
		۱۰ القَدَح: کاسه

۵	الذَّالِحُونَ : دنباله‌روها (جمع لاحق)	۲	قَدِرَ — : توانست
۱۰	اللَّبَن : شیر	۲	قَرَن : نام قبیله‌ای در «یمن»
۷	لِما : بر آنچه، برای آنچه	۵	قَسَمَ : تقسیم کرد
۵	لَمَّا : وقتی که	۶	الْقَطْع : تکه‌ها (جمع قطعه)
۹	لَنَا : با ما، برای ما		قَطَعُ اللَّحْم : تکه‌های گوشت
	أَعْلَيْنَا أَمْ لَنَا؟ : بر ضد ما یا با ما؟	۲	الْقَلِيق : نگران
۴	لَيْتَ : کاش	۲	الْقَلِيل : اندک
			بعد قلیل : اندکی بعد
	<b>م</b>	۵	الْقَمِيص : پیراهن
۸	الْمَاكِر : حيله‌گر	۱	قَوَى — يُقَوِّي : توانمند کرد
۳	مَا لَكَ؟ : تو را چه می‌شود؟	۵	قَيْصَر : سزار (لقب پادشاه روم)
۶	المُؤَسِّقَة : تأتف بار	۱۰	الْقِيَمَةُ الْعِذَائِيَّة : ارزش غذایی
۱	المألوفة : روان و ساده		
۱۰	المُبِيد : نابود کننده		<b>ك</b>
۹	المُبِين : واضح، آشکار	۹	كَبَّرَ : تكبير گفت، «الله اكبر» گفت
۶	مُتَأَخِّرًا : دیر	۷	كَذَلِكَ : همچنين
۳	المِثَالِي : نمونه، الگو	۱۰	الْكُرِيَات الحَمْرَاء : گلبول‌های قرمز
۶	المَجْلِسُ الإِسْتِشَارِيّ : مجلس مشاوره، شورای مشورتی	۵	كِسْرَى : خسرو (لقب پادشاهان ساسانی)
۳	المُحْرِقَة : سوزان	۲	كَلَّمَ : صحبت کرد
۸	المُخْطِئُ : خطاكار	۵	الْكُم : آستین
۳	المَراسيم : مراسم	۴	كُنَزَ — : انباشت، جمع کرد، ذخیره کرد
۶	المرضى : بیماران (جمع مريض)		يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّة ... :
۳	المَسَاء : عصر	۲	طلا و نقره جمع می‌کنند.
۶	المُسْتَشْفَى : بیمارستان	۸	الكَهْف : غار، پناهگاه
۳	المَسْرَحِيَّة : نمایشنامه		<b>ل</b>
۸	مَسَى — يَمْشِي : راه رفت	۴	لَاتَ : نیست
۵	المَشَاهِد : صحنه‌ها، منظره‌ها (جمع مشهد)	۷	اللَّات : نام یکی از بت‌های مشرکان قریش

